

پیشنهاد اصول کلی کنوانسیون بین‌المللی مالیه عمومی مبتنی بر دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی

بیژن بیدآباد^۱

چکیده

همانگونه که دولت‌ها موجبات نظم و امنیت و توسعه و ثبات کشورها را فراهم می‌آورند، از سوی دیگر می‌توانند مولد بی‌نظمی، عدم امنیت و بی‌ثباتی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور باشند. از سوی دیگر ناهماهنگی قوانین کشورها در زمینه‌های مالیه عمومی موجب خسارات‌های متنوع، جابجایی سرمایه و کار و ناکارایی بازارهای کشورها است و همچنین تعامل سیاسی دولت‌ها موجب شده تا منابع زیادی صرف ایجاد تعادل و توازن قوا در سطح بین‌المللی گردد که موجب هدر رفتن منابع است.

انجام اصلاحات و حرکت دولت‌ها در جهت اصلاح این شرایط می‌تواند افزایش بهره‌وری و بهبود وضعیت رفاه مردم در همه کشورها را به همراه آورد. بر این اساس با الهام از آموزه‌های عرفان و تصوف اسلامی و توجه به حکمت شرایع مواردی جهت پایه‌ریزی اصول کلی یک کنوانسیون بین‌المللی در زمینه مالیه عمومی ارائه می‌شود تا براساس آنها بتوان قدمی در انضباط عملکردی دولت‌ها در صحنه بین‌المللی برداشت. مسلماً مخالفت دولت‌ها با استدلال تحدید حاکمیت ملی آنان مانع اساسی در این راه است. لذا در مرحله اول می‌توان این اصول را در چارچوب توصیه‌های ارشادی مطرح و به مرور عمل به مفاد آن را پیش‌نیاز توسعه روابط بیشتر بین دول قرار داد.

اصول مطروحه مباحث مختلف مالیه عمومی و مسائل مرتبط با آن نظیر مالیات و هزینه دولت، برنامه و بودجه، ساختار و تشکیلات دولت را مد نظر قرار می‌دهد که لازم است در ارتباط با هر کدام از آنها دستورالعملی تدوین نمود تا علیرغم قابلیت حصول اهداف مورد نظر بیشترین پذیرش را در بین کشورهای متعاقد داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: مالیه عمومی؛ مالیات؛ هزینه دولت؛ برنامه؛ بودجه؛ تشکیلات دولت؛ کنوانسیون بین‌المللی؛ حکمت؛ عرفان اسلامی؛ تصوف اسلامی؛ اقتصاد اسلامی

مقدمه

در طول زمان نقش مدیریت اقتصادی جامعه و حفظ شرایط اجتماعی و ارزشهای انسانی و فرهنگی پررنگ‌تر گردید و نتیجتاً وظایف دولت‌ها افزایش و بار مالی این مدیریت نیز افزون گشت. تقابل بیشتر دولت‌ها با یکدیگر هزینه‌های اجتماعی مردم متبوع را افزون می‌نماید و نهایتاً تعادل جدید با هزینه تمام شده بالاتری برای افراد و بنگاه‌های

^۱ - Web: <http://www.bidabad.ir>, Mail: bijan@bidabad.ir, bidabad@yahoo.com

کشورها خواهد بود. می‌توان به تعادل جدیدی بین کشورها با هزینه کمتر رسید که هم به نفع ملت‌ها و هم به نفع دولت‌های مختلف جهان باشد. براین اساس پیشنهاد می‌شود که طبق توافقی همه‌پذیر، همه کشورها با پذیرش اصول مندرج در این پیشنهادیه به تعادل جدید و کم‌هزینه‌تر و کارآمد دست یابند. پیمان‌های منطقه‌ای در ایجاد وحدت رویه در میان کشورهای عضو نقشی اساسی ایفا می‌کنند. در این ارتباط، ایجاد وحدت رویه نظام‌های مالیاتی در مناسبات اقتصادی کشورهای عضو، تعدیل و یکنواختی فشار مالیات بر افراد و بنگاه‌ها و ایجاد زمینه‌های یکسان رقابت در کشورهای عضو از جمله موارد پراهمیت در این مبحث است.^۲

اصول پیشنهادی می‌تواند در قالب یک کنوانسیون بین‌المللی مطرح گردد تا کشورها اختیارات نسبت به پذیرش آن اقدام و اعضاء پذیرنده مفاد آن را پذیرفته و در قبال دیگر اعضاء اعمال نمایند.

مداخله دولت در امور اقتصادی افراد

از نظر اقتصادی بدون وجود امنیت، فعالیتهای اقتصادی دچار اختلال می‌شوند و از آنجا که این تلاش برای خلق ثروت است، بدون وجود ضمانت لازم برای حفظ ثروت به ثمره مورد نظر نمی‌رسد. لذا مرجعی برای تسجیل مالکیت و احقاق حق ضروری می‌شود. از سوی دیگر در ارتباط با جامعه مسئولیت تأمین کالاهای عمومی و منابع ملی و همچنین دفاع از حقوق عمومی و سرمایه‌گذارانی دیربازده که افراد مایل به سرمایه‌گذاری در آنها نیستند، آموزش و بهداشت عمومی، مدیریت و اداره منافع سیاسی و دیپلماتیک خارجی و طیف گسترده‌ای از وظایف باید به دوش مرجعی بنام دولت باشد تا چرخه روابط اجتماعی افراد برقرار گردد.

تعیین مرز دخالت دولت در امور افراد یکی از بحث‌انگیزترین مباحث قانونگزاری در همه کشورهاست. مداخله دولت در مسائل اقتصادی منجر به جهت دادن و تخصیص منابع در همه سطوح اقتصاد شده و توزیع درآمد و هنجارهای رفتاری جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نظام‌های مختلف حقوقی، دولت با ویژگی‌های متنوعی تعریف می‌شود و تعیین وظایف دولت‌ها بدون توجه به ایدئولوژی و فلسفه سیاسی تشکیل هر دولت امکانپذیر نیست. در واقع ارزشهای مورد قبول جامعه و جهان‌بینی سیاسی جامعه است که وظایف دولت‌ها را مشخص می‌کند. اقداماتی که برای دولت‌ها متصور است از جمله موارد زیر می‌باشد:

- ۱- وظایف تشریحی و تقنینی
- ۲- وظایف قضایی و تنبیهی و تأدیبی
- ۳- وظایف تأمینی و حمایتی
- ۴- وظایف نظامی و دفاعی
- ۵- وظایف مالی و اقتصادی
- ۶- وظایف مدیریتی و اجرایی
- ۷- وظایف آموزشی و تربیتی

^۲ - این موضوع در پیمان‌های متعددی نظیر اتحادیه اروپا، اتحادیه منطقه‌ای آمریکای لاتین (Latin American Integration Association)، LAIA منجر به پذیرش مالیات بر ارزش افزوده در سطح کشورهای عضو شده است. موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (General Agreement on Tariff and Trade, GATT) نیز در این ارتباط انطباق بسیاری با مفاهیم مالیات بر ارزش افزوده دارد.

مالیه عمومی مهمترین حیطة مداخلات اقتصادی دولت‌هاست. اگر تعامل افراد صرفاً متکی بر نظام قیمتها باشد اقتصاد خود تصمیم می‌گیرد که چه کالایی و به چه مقدار و برای چه کسانی تولید، عرضه و نهایتاً مصرف شود. ولی وقتی دولت در تعاملات اقتصادی افراد وارد می‌شود در فرآیندی سیاسی - اداری، تصمیم می‌گیرد تا در چه زمینه‌هایی دخالت کند و چه مخارجی را متحمل شود و برای تامین این مخارج چگونه منابع مالی مورد نیاز خود را تأمین نماید. تعیین قلمرو فعالیت دولت، به اعتقادات و فلسفه سیاسی جامعه و حکومت برمی‌گردد و به دلیل آثار متفاوت رفتار افراد و دولت بر اقتصاد و وجوه مختلف اجتماع، تلفیقی از آن دو همواره در همه جوامع مشاهده می‌شود.

در اصل نیاز جامعه به دفاع در برابر تجاوز بیگانگان، حمایت از آحاد جامعه در برابر یکدیگر، تنظیم و حفظ حقوق مالکیت، اعمال مفاد قراردادهای، زیربنای اقتصاد، خدمات عمومی، ایجاد فضای اعتماد متقابل برای افراد جامعه و حفظ ثبات سیاسی و اقتصادی مرز فعالیت دولتها را بارز می‌گرداند.

مالیه عمومی با توجه به مرز فعالیت دولت حدود درآمدها و مخارج دولت را با توجه به ترکیب آنها از طریق بودجه‌ریزی مد نظر قرار می‌دهد. اصول مالیات و هزینه و نحوه مدیریت آن دو و اداره سازمان اجرائی آن عملاً تا به ریزترین مسائل و واحدهای دولتی تعمیم و تسری می‌یابد.

در این ارتباط ضمن توجه به رسیدن به اهداف اقتصادی دولت، و با توجه به وظایف مطرح برای دولتها^۳ نظیر تخصیص منابع، توزیع درآمد و ثروت، تثبیت اقتصادی، تدارک خدمات اساسی، تشویق‌ها و کنترل بخشهای خاص اقتصاد، اعمال سیاست اجتماعی در برابر خدمات اجتماعی و تشویق توسعه، رشد و رفاه اقتصادی، توازن در ترازپرداخت‌ها و عدالت اقتصادی و اجتماعی هدف‌های اعمال سیاست‌های مالی دولت می‌توانند باشند. لذا مباحثی چون درآمدهای مالیاتی و غیرمالیاتی، هزینه‌های عمومی و کسری بودجه و نحوه تأمین آن از طریق بودجه‌ریزی دولتی و اعمال سیاست‌گذاری مالی در صدر مباحث مالیه عمومی قرار می‌گیرند.

مداخله دولت در امور اقتصادی افراد از دیدگاه اسلام

نگرش اسلام به مخلوقات و انسانها بر روی زمین بر این اصل استوار است که همه خلق مهمان خدایند و کسی محق نیست جز به لازم و نادر سلب حقوق از مهمان نماید بلکه باید در جهت پذیرایی بهتر از مهمان حرکت کرد. در قرآن کریم پیامبر اکرم ص مأمور به ابلاغ می‌شود که: «ای فرزندان آدم، زیورهای خود را در مقام هر عبادت به خود برگیرید و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید، که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد. بگو: چه کسی زینت‌های خدا را که برای بندگان خود آفریده حرام کرده و از صرف رزق حلال و پاکیزه منع کرده؟ بگو: این نعمتها در دنیا برای اهل ایمان است و خالص اینها (یعنی لذات کامل بدون الم، و نیکوتر از اینها) در آخرت برای آنان خواهد بود. ما آیات خود را برای اهل دانش چنین مفصل و روشن بیان می‌کنیم. بگو که خدای من هر گونه اعمال زشت را چه در آشکار و چه در نهان و گناهکاری و ظلم به ناحق و شرک به خدا را که بر آن شرک هیچ دلیلی نفرستاده است و این که چیزی را که

³ Richard Abel Musgrave, Peggy B. Musgrave, (1976), Public Finance in Theory and Practice, McGraw-Hill.

^۴ - سوره اعراف، آیات ۳۳-۳۱. «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفَصَّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ. قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ.»

نمی‌دانید به خدا نسبت دهید، همه را حرام کرده است.» معنی صریح این آیه این است که خداوند می‌فرماید خلق مهمان من هستند و هیچکس حق ندارد محدودیتی برای میهمان من در آن چیزهایی که پاک قرار داده‌ام ایجاد نماید. به استناد این آیات می‌توان بسیاری از مواردی که در قوانین موضوعه درج است را مورد انتقاد قرار داد. زیرا بر اساس این آیات نمی‌توان اقدام به تحدید حقوق افراد نمود. با استناد این آیه می‌توان گفت که دولت نباید کالاهایی که مباح هستند را ممنوع نماید یا از طریق وضع مالیات یا تعرفه بر آنان یا قیمت‌گذاری موجب مداخله در جریان معاملات آنان شود و بطور کلی باید دولت در این امور عملکردی خنثی داشته باشد. مثالهای زیادی در این باب می‌توان ذکر کرد که مالیات بر فروش و تعرفه‌های گمرکی و موانع غیر تعرفه‌ای در تجارت را نیز در بر می‌گیرد.

در شرح آیات آخر مذکور می‌فرمایند: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ» بگو چه کسی زینت‌های خدا را که برای بندگان خارج کرده حرام کرده، گویا که ترک زینت و ترک مأکول و مشروب پاکیزه را از لوازم عبادت و طلب آخرت می‌شمردند، پس آنها را اولاً امر به تزئین و اکل و شرب کرد و ثانیاً تأکیداً تحریم آن را انکار نمود. و توصیف به اخراج برای بندگان اشاره به این دارد که زینت اولاً و بالذات برای کسی است که عبد خدا گشته و برای غیر او به تبعیت اوست، نه اینکه بر او برای عبادتش حرام باشد. «وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» و پاکیزه‌ها از رزق، بدنی و نباتی و حیوانی و انسانی و رزق روحانی از ارزاق نفوس و قلوب و ارواح. «قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» بگو این برای کسانی است که ایمان آوردند در حیات دنیا، بدانکه دنیا و آخرت بالذات برای خلیفه خدا خلق شده‌اند، و این یکی از وجوه قول اوست: «لَوْلَاكَ لَمَّا خَلَقْتُ الْأَفْلَاقَ» (اگر تو نبودی افلاک را خلق نمی‌کردم). پس هر کسی که به او با اتصال تقلیدی متصل شود که آن قبول دعوت ظاهری و قبول چیزی است که به بیعت عامه، بر آن اخذ کرده، و با معاهده اسلامی دستش را بر دست خلیفه عقد بسته، یا با اتصال ایتامی متصل شده که آن قبول دعوت باطنی و قبول آنچه بر آن با بیعت خاصه اخذ کرده و دستش را بر دست خلیفه به معاهده ایمانیه عقد کرده، پس داخل ایمان شده که آن صورت نازله از خلیفه است، در نازلترین مراتب قلب او که همان صدر است سپس صورت دیگری که دارای ملکوتیتی در مرتبه دیگری از قلبش است که از این مرتبه برتر است داخل می‌شود، و هکذا تا اینکه به حقیقت خلیفه متحقق شود، پس آن دو به قدر اتصالش برای اوست و از خلیفه بحسب آن ارث می‌برد، و هرکس که به چیزی از اتصالها متصل نباشد آن دو بر او حرامند، و هرگاه از آنچه غالب شده چیزی از دنیا تملک کند در دست او غصبی است، و برای این گفت: «هي للذين آمنوا في الحياة الدنيا» از غیر تقیید به خلاصی از دست غیر، یعنی آنها چه بر آن غلبه کند یا بر آن غلبه نکنند، و چون در آخرت غلبه غیر بر آن امکان ندارد گفت: «خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ» خالص آنها روز قیامت باشد، خالصه با رفع و با نصب قرائت شده، و اعراب آیه اینکه هی مبتدا و للذين آمنوا خبر آن است، یا حال است و فی الحياة الدنيا خبر است، یا خبر بعد خبر است، یا حال است از فاعل آمنوا، یا از مستتر در ظرف، یا ظرف لغو متعلق به امنوا یا به قول او للذين آمنوا یا به عاملی از افعال خاص حال است، یا خبر بعد خبر، یا خبر ابتداء است مثل: مغضوبٌ علیها فی الحیوة الدنیا، و خالصه بر قرائت رفع خبر هی است یا خبر بعد خبر، یا خبر مبتدای محذوف، و بر قرائت نصب حال از یکی از عوامل سابق است، و از صادق است بعد آنکه نهرهای زمین را ذکر کرد پس هرچه را که سیراب کند و هرچه که سیراب شود پس آن مال ماست و هرچه برای ماست پس برای شیعیان ماست، و برای دشمن ما چیزی از آن نیست مگر آن را غصب کرده، و همانا ولی ما در اوسع آنچه از بین این و آن است می‌باشد، یعنی آنچه بین آسمان و زمین است، سپس این آیه را تلاوت کرد: «قل هي للذين آمنوا في الحياة الدنيا» مغضوبین بر آناند در روز قیامت خالصه برای آنان است بدون غصب و در قول او تعالی: «اليوم احل لكم

الطَّيِّبَاتِ» بعد قول او: «الْيَوْمَ يُسَّ الذِّينَ كَفَرُوا مِن دِينِكُمْ» و بعد قول او: «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» اشاره به آن است. «كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ» اینچنین آیات را تفصیل می‌دهیم، یعنی آیات تکوینی را از استحقاق کل آنچه که حق آن است و اعطاء هر ذیحقی حق او را به آیات تدوینی «لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» برای قومی که می‌دانند، در سلوک به آخرت اشتداد دارند، و در علمشان زیادی می‌نمایند، زیرا که علم آنچه که باشد متعلق به آخرت است با ازدیاد و اشتداد و هر ادراکی تعلق به آخرت ندارد، یا متعلق به آن باشد لکن اشتداد بر آن نباشد و بلکه بواسطه اغراض دنیویه متوقف یا منکوس باشد نزد اهل الله علم نامیده نمی‌شود، بلکه جهلی است، و چون اسم علم بر آن اطلاق شود از باب مشاکلت و موافقت با مخاطبان آنان است. پس کم است چیزی که از آنچه که مشعر به ذم آن باشد منفک گردد یا اسم علم از آن نفی می‌شود «و لقد علموا لمن اشترىء ماله في الآخرة من خلاق و لبئس ما شروا به انفسهم لو كانوا يعلمون» (و به تحقیق آنان می‌دانستند که برای خریداران آن در آخرت بهره‌ای نیست، و خود را به بد چیزی فروختند اگر می‌دانستند) «يعلمون ظاهراً من الحياة الدنيا و هم عن الآخرة هم غافلون» (آنان به ظاهر زندگی دنیا آگاهند و از آخرت غافلند) «ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ» (این محل رسیدنشان از علم است) و به تحقیق اشباه مردم آن را عالم نامیده‌اند در حالی که جز از ظن و گمان پیروی نمی‌کنند و فقط دروغ می‌بندند. و برای این است که شیعیان‌شان که با بیعت خاصه ولویه با آنها بیعت کرده‌اند ایمان در قلوبشان داخل شده علما و عرفایند، به طریق حصر: شیعیان ما علما هستند، شیعیان ما عرفا هستند. پس کسی که سالک به آخرت و سائر به خدا به قدم ایتام به امام حق منصوص از خدا نباشد و اگر در علوم حکمی و ظنون فرعی آن بلغ ما بلغ باشد عالم نامیده نمی‌شود، و او از تفصیل آیات نفعی نمی‌برد. زیرا که نظر او به آیات از حیث انفس آن است، یا از حیث جهات دنیوی آن، نه از حیث اینکه آن آیات دال بر خدا و بر امور آخرت است، چنانکه از صادق ع نقل شده که او به ابوحنیفه در جمله کلامش گفت: و من تو را نمی‌بینم که از کتاب خدا حرفی بشناسی. و هر کس به آنها به ایتام با بیعت ولویه متصل شود و اگر حروف تهجی را نخوانده باشد پس او عالم عارف است، و او منتفع به آیات و تفصیل آن است، زیرا که نظر او به اشیاء آفاقیه و انفسیه از حیث صدور آن از خدا و دلالت آن بر او می‌باشد. و چون اکل و شرب را برای آنها مباح نمود و آن را با اختصاص زینت و رزق‌های پاکیزه به آنها تاکید کرد اراده نمود که پیامبرش ص را امر کند به بیان محرمات بالذات و موجبات برای حرمت مباحات بالعرض، برای بیان پاکیزه از غیر پاکیزه پس گفت تعالی: «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» بگو نیست جز اینکه پروردگارم اعمال زشتی که از آن ظاهر می‌شود و آنچه پنهان می‌گردد و گناه و بغی به غیر حق را حرام کرد و اگر به خدا شرک ورزید و اگر بر خدا چیزی که نمی‌دانید بگوئید برای آن سلطانی نازل نمی‌شود، پس تعالی به طریق حصر پنج چیز را ذکر کرد که به سه اصول محرمات رجوع دارد. بدانکه خدا انسان را از نطفه ضعیفی که صورتش را حافظ نباشد خلق کرد، و در آن لطیفه سیاره سالکه به خدا به قدم صدق بر طریق مستوی و خط مستقیم از جمادیت که نازلترین مرتبه موالید است به نباتیت سپس از آن به حیوانیت سپس به بشریت که ملکوت بین دو ملکوت سفلیه که دار شیاطین و اجنه و سجن متکبرین و معذبین از آدمیان می‌باشد است و علویه که آن دار ملائکه ذوی الاجنحه و دار سعدا و اصحاب یمین است، به ودیعه نهاد، پس چون علم او را به علم او و شعور او را به شعور او مستحکم کرد، و اراده او و اختیار او و تمیزش بین خیر و شر حقیقی تقویت شد مستعد قبول تکلیف و دعوت نبوی می‌شود، پس اگر توفیق ساعده او شد و دعوت نبوی را درک کرد و این دعوت را قبول نمود و منقاد تحت حکم داعی شد مسلمان گشته و بر توحید حقیقی و ایمان و قبول دعوت باطنی ولوی مشرف می‌گردد، و در این هنگام به اعتبار اشراف او بر ایمان و

توحید مؤمن و موحد نامیده می‌شود. و اگر دعوت عام را درک نکرد، یا آن را قبول نکرد، یا بر مقتضای آن عمل نکرد، تا استعداد او قریب به دعوت خاصه باطل شود و طریق قلب و اماراتش و طریق توحید و علاماتش مخفی گردد، یا استعداد قریب او برای قبول دعوت خاصه باطل نشود و استعداد قریب برای او برای آن باقی بماند و لکن از این قوه و استعداد به فعل خارج نشود و به عدو و توجه گاه به آنچه استعدادش آن را اقتضاء می‌کند و طلب آنچه که او را دلالت می‌کند بر طریق قلب و از قوه به فعل خارجش می‌نماید، و گاهی بر آنچه که نفسش اقتضاء آن می‌کند و از مشتبهات حیوانیه تهوی می‌نماید، در این صورت مؤمن موحد نمی‌باشد نه حقیقتاً و نه مجازاً، بلکه زمانی که برای او آن استعداد قریب باقی نماند، کافر است، سواء اینکه به دینی و کتابی و نبیّی اقرار بکند و مسلمان و مؤمن نامیده شود یا اینکه اقرار نکند و کافر نامیده شود، یا مشرک است زمانی که بر او استعداد باقی بماند سواء اینکه به خدا در ظاهر صنم و کوبی و غیر آن دو شرک بورزد یا نورزد، و سواء اینکه به دینی و نبیّی اقرار بکند یا نکند، و سواء اینکه با نبیّی یا ولیّی به بیعت عامه یا خاصه بیعت کرده باشد یا نکرده باشد، و سواء اینکه به ائمه جور و مظاهر شیاطین اتصال یا اعتقاد داشته باشد یا نداشته باشد، و به همین معنی کفر و شرک در آیات به کفر به ولایت و شرک به ولایت تفسیر شده است و این دو غیر کفر و شرک ظاهری است برای جواز اتصاف مسلم و مؤمن به آن دو، و کافر به این معنی مطیع نفس و شیطان است و افعال او جز از طاعت آن دو نیست و هکذا اخلاق او. و آن یا در قبح متناهیه است به حیثی که شرع و عقل و عرف آن را قبیح می‌شمارند مانند زنا و لواط و سبیت مفرطه و شره مفرط از چیزی که هر کس آن را قبیح می‌شمارد و فاعل آن حین انجام آن را از مردم حتی از امثالش مخفی می‌دارد و فواحش نامیده می‌شود. و افعال جوارح که این چنین باشند فواحش ظاهری است، و رذائل نفس فواحش باطنی است. و به تحقیق بعضی افعال جوارح زمانی که عادت گذشته باشد به حیثی که فاعل آن از خلق مخفی ندارد باطنی نامیده شوند مانند نکاح زوجه پدر که در جاهلیت بود، و مانند نکاح محارم که در بین هندی‌ها بوده، و مانند تجسس و غیبت و تهمت و تنازع به القاب با اینکه اشد از نکاح محارم است که در بین مسلمانان شایع است. زیرا که فاحشه بودن آن از نظرهای امثال فاعل آن مخفی است. و به تحقیق فاحشه که فاعلش آن را مخفی بدارد باطنی تفسیر می‌شود، مانند زنا و لواط و ظاهره‌ای که مخفی نمی‌کند مانند نکاح زوجه پدر، عکس آنچه ذکر شد، و بر آن وجهی است. یا در قبح غیرمتناهیه است به حیثی که عقول جزئیّه از امثال او آن را قبیحه نمی‌شمارد، و فاعلش از امثالش مخفی نمی‌دارد و آن اثم است مانند شرب خمر و نیبذ، یا به حیثی که عقول جزئیّه از امثالش خیر و مدح فاعل آن می‌شمارد و فاعل آن به اعلان آن مباهات می‌کند مانند حکومت‌ها و قضاوت‌های غیرشرعیه که آن مثال قضاوت‌های شرعیه و سایر مناصب شیطانیه است که امثال او آن را از جهل تمنّا می‌کند. و به عبارتی دیگر یا افعالش و اخلاقی را به صورت افعال زنان یا به صورت افعال خناث و یا به صورت افعال مردان ظاهر می‌سازد. و به عبارتی دیگر فاعل آن در انظار جزئیّه مخطئه اما زنانه است یا مخنثانه یا مردانه است. و به این سه به فواحش و اثم و بغی اشاره شده است. و حاصل حصر اینکه انسان یا کافر یا مشرک یا کافر و شرک حقیقی است یا مؤمن است، و کافر، جمیع آنچه که از او صادر می‌شود قولاً یا فعلاً یا خلقاً بر او محرّم است زیرا که آن تابع کفر محرّم است و آن بر سه قسم منقسم می‌شود و از ذکر کفر تنها به آنچه که برای استلزام آن ذکر شد اکتفا کرد و شمول آن محرّمات مشرک و مؤمن از حیث کفر است، و برای مشرک جهت کفر و جهت ایمان است، و آثار آن از حیث کفر ملحق به آثار کفر است و از حیث ایمان به ایمان. و مؤمن، آثارش از حیث ایمان برای او حلال است مگر نسبت قولی به خدا بدون علم بر تفصیلی که می‌آید و چون مراد به بغی مطلق تبسّط و حکومت و ریاست باشد او تعالی با قولش بغیر الحق آن را از بغی بغیاً مقید نمود، استتال

و عدم احتیاج به جعل قید بیانا خلاف ظاهر است و قید اشراک به ما لم یُنزل به سلطاناً اشاره دارد به اینکه مراد به شرک به خدا شرک به ولایت و شرک به ولایت تکوینی است یا به مرمت معاش یا تلذذ نفس، و آن دو اگر از جهت امر الهی باشد چون سلطانی به آن نازل نشود شرک به خدا نمی‌شود. و شرک به ولایت تکلیفیه اگر به اشراک از امر امام ع باشد به اتباع او اشراک به خدا چون سلطانی بر آن نازل نشود نمی‌باشد و شرک به خدا حلالاً و شهوداً نیست مگر اشراک به ولایتین، پس تقیید اینجا ایضاً در محل آن است و حاجتی به تکلفاتی که آن را مرتکب شده‌اند نیست و موحد حقیقی یا مشرف بر توحید است یا اینکه قول او و فعل او و خلق او و اعتقاد او از حیث توحیدش است یا از حیث توحیدش و ایمانش نیست. پس آنچه از حیث ایمان باشد پس آن حلال است: کفر گیرد ملتی ملت شود، و آنچه که از حیث ایمان نباشد پس آن ملحق به افعال کافر و اخلاق او است لکن مؤمن به قوت محبتش یا از وجدانش و شهودش یا از عادت سابقی که از سهولت خطاب در گفتن چیزی که از عالم وقتش اخذ نکرده بر زبانش جاری شود و آن را از شهودش و وجدانش یقین نداشته یا یقین داشته لکن موافق حالش نباشد یا موافق حال شنونده بحسب وقت و مکان نباشد، پس خدای تعالی از آن نهی کرد، و اگر از حیث ایمانش باشد پس بنابراین تقدیر قول او تعالی «ما لا تعلمون»، «ما لا تعلمون عینه او وقته، او مستمعه، او موافقته لحاکم» (آنچه را که عین آن یا وقت آن یا مستمعش یا موافقتش با حاکم است را نمی‌دانید) می‌شود، و چون ائمه جور متحقق به این محرّمات هستند و گذشت که این محرّمات ذاتی آنهاست تفسیر آن به ائمه جور صحیح است، و در بعضی اخبار به سلاطین از بنی امیه و سایر ولات جور تفسیر شده است. و از صادق نقل است که همانا قرآن دارای ظاهر و باطن است، پس جمیع آنچه که در قرآن خدا حرام کرده همان ظاهر و باطن از آن ائمه جور است و جمیع آنچه که خداوند در کتاب حلال کرده همان ظاهر و باطن از آن ائمه حق است. و سر آنچه ما گفتیم از اینکه جور متحققین متجوهرین به جمیع محرّماتند، و ائمه حق متحققین و متجوهرین به جمیع محلاتند. و از او ع در بیان «ان تقولوا علی الله ما لا تعلمون» است که: ای تو و دو خصلت است که هلاک شد کسی که هلاک شد، ای تو به رأی خودت فتوا دهی و به آنچه که نمی‌دانی دین برداری، و در روایتی است: که دین خدا را به باطل برداری و به مردم فتوا دهی به آنچه که نمی‌دانی. و غرض اینکه همانا اعتقاد و فتوا اگر به وحی یا تحدیث نباشد و نه به تقلید صاحب وحی و تحدیث، پس آنها «قول علی الله بما لا یعلم» است. پس وای و سپس وای بر کسی که در دینش به رأیش استبداد نماید بدون اینکه از اهلش اخذ کرده باشد، و بر کسی که بدون علم و اخذ از صاحب وحی و تحدیث مردم را فتوا دهد حیث اینکه خداوند او را با کافر و مشرک قرین گردانیده.»

آیات فوق هر دو دلالت دارند بر اینکه اگر شرط پاکی (از همه جهات) وجود داشته باشد دولت در شرایط متعارف جواز منع آنها را ندارد و از لحاظ مباحث مالیه مجاز به هزینه در کنترل و جلوگیری از آنها نیز نیست. اگر در این بحث بیشتر دقیق شویم می‌توانیم استنباط کنیم که از لحاظ اسلام تجارت آزاد است و دولت‌ها نباید ممنوعیت مصرف کالا به صورت موانع تجاری اعم از تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای در تجارت خارجی و یا مالیات بر فروش کالا در تجارت داخلی ایجاد نمایند. تعرفه و مالیات بر فروش ورود یا مصرف کالا را ممنوع نمی‌کند بلکه قیمت تمام شده آن را برای مصرف کننده آن گران می‌کنند و گران کردن کالاها ظلم به مصرف کننده تلقی می‌شود و مغایر این آیه است که می‌فرماید: ^۵ «و اگر (چنین) نکردید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی، برخاسته‌اید؛ و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما

۵- سوره بقره، آیه ۲۷۹. «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ زُؤْسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ».

از خودتان است. نه ستم می کنید و نه ستم می بینید.» بر اساس این آیه که در مورد ترک اخذ ربا است می فرماید اگر مازاد نگیرید و از آن صرف نظر کنید نه ظلم کرده اید و نه مورد ظلم واقع شده اید یعنی فروش یک کالا یا خدمت بیش از ارزش مال در بازار به مفهوم ظلم کردن به یکی و مورد ظلم واقع شدن طرف دیگر معامله است. به عبارت دیگر این اصل از لحاظ ابعاد اقتصادی شرایط تعادل و قیمت بازار در مکانیزم عرضه و تقاضا را در اقتصاد مطرح می نماید که یکی از مفاهیم اساسی اقتصادی است. اگر دولت اقدام به قیمت گذاری کالا یا خدمت نماید عملاً منابع و سود تجارت یا تولید را از گروه تولیدکننده و فروشنده به گروه مصرف کننده و خریدار منتقل می نماید و این ظلم به تولیدکننده و عرضه کننده تلقی می گردد.

مالکیت

در اسلام مالکیت محترم است و حدود مالکیت نیز محصور نشده و فقط ویژگی هایی برای آن در نظر گرفته شده که منبعث از منشاء حصول مال می شود. در این ارتباط مال باید از محل مشروع احصاء شده باشد و داشتن مال نیز مورد اشکال نیست هر چند آیات قرآن عدم انفاق را سرزنش نموده اند ولی حکماً جز مالیات های شرعی متداول محدودیتی قانونی و شرعی که مستمسکی برای جلب و مصادره اموال دیگران باشد ذکر نشده است. بر این اساس مرز مالکیت مرز مشخصه مهمی در اسلام است که محدوده فعالیت افراد ملت و دولت را در عدم تعرض به مالکیت فردی مشخص می کند. تغییر این محدوده باید براساس توافق عمومی صورت پذیرد و مکانیزم های سیاسی و تقنینی باید برای جابجایی این مرز تعبیه نمود. و مسلماً جابجایی این مرز با نظر یکسویه حاکمیت نباید تحقق پذیرد. با توجه به این موضوع لازم است تا به مبحث مالکیت بعنوان یکی از اصلی ترین، پیچیده ترین و مبنایی ترین مباحث قابل طرح در اداره امور عمومی پردازیم. در حقوق عمومی عملاً تعریف مالکیت مرز تعامل میان دولت و ملت را تعریف می کند. به عبارت دیگر تعریف قبول شده از مالکیت است که بنای کلیه قوانین و چارچوب ها را در یک نظام سیاسی بنیان گذاری می نماید. تعریف مالکیت حیطة دخالت دولت در امور خصوصی افراد و همچنین حمایت ملت از دولت را مشخص می کند. زیرا دولت صاحب و مالک آن حقی است که از اיתار ملت در اختیار وی قرار داده شده است. جمله اخیر مبنای ایدئولوژیک قوی در اسلام دارد و حکومت اسلامی پس از تعیین واجبات و محرمات تا آن حد وارد امور داخلی مردم می شود که مردم بپذیرند. یعنی آراء، تصمیمات و نظر جمعی بر مبنای خرد جمعی جامعه مبنای جدا کردن حق از افراد و اعطای آن به حاکمیت به عنوان نماینده جامعه است.

میزان و حدودی که دولتها عملاً از لحاظ قانون می توانند در حقوق مالکیت افراد مداخله نمایند در نظام های حقوقی مختلف متفاوت است. موارد مداخله دولت معمولاً بر اساس ایدئولوژی و آرمان های سیاسی جوامع و حکومت های مختلف متفاوت است. در نظام های با گرایش سوسیالیستی معمولاً مالکیت بسیاری از تأسیسات و منابع و ذخائر معدنی و سیستم های خدماتی عمومی نظیر بانکها، حمل و نقل و همچنین بنگاه های تولیدی به دولت تعلق می گیرد ولی در نظام های سیاسی لیبرال فعالان بخش خصوصی مجاز به تملک این نوع دارایی ها هستند. آنچه که در غالب نظام های سیاسی از لحاظ تصرف و تملک و همچنین مداخله در امور مالی افراد برای دولتها مشترک است یکی وصول مالیات است. وصول مالیات توسط دولتها بر این اصل بنا شده که افراد بایست هزینه دولت را تأمین و همواره هزینه خدمات ارائه شده توسط آن را پردازند. این دو گروه هزینه یعنی هزینه های لازم برای امر تصدی گری دولت و

هزینه‌های لازم برای توسعه، عمران یا ارائه خدمات دولتی دو بخش عمده از علل وصول مالیات است. افراد یک جامعه عملاً با پرداخت مالیات بطور ضمنی تصدی‌گری دولت را تأیید می‌نمایند و چنانچه نهادهای مدنی قوی باشند افراد جامعه با عدم پرداخت مالیات می‌توانند مشروعیت حکومت را زیر سؤال برند و دست حکومت را در انجام فعالیت‌های تصدی‌گری خود محدود سازند. چون عمر و اثر قوانین معمولاً طولانی‌تر و باقی‌تر از عمر دولت‌هاست عملاً اجازه نمی‌دهد که افراد بتوانند با عدم پرداخت مالیات به برخوردهای مقطعی سیاسی با دولت‌ها بپردازند.

دیگر از موارد مداخله دولتها در امور مالی افراد سلب مالکیت از فرد از طریق انتقال مالکیت به نفع مصالح عمومی است. این مورد در تصرف اجباری و لااقل خرید اجباری به قیمت عادلانه توسط ارکان دولتی نظیر شهرداری‌ها به وضوح قابل مشاهده است که دولتها برای احداث تأسیسات یا معابر ملزم به تصرف حقوق ملکی افراد می‌شوند. یکی از اصول دیگر نهی مالکیت در موارد خاص است. لذا دارائی‌های کسب شده از برخی طرق را غیرمشروع می‌داند این موارد علاوه بر موارد غیر مشروعی است که در حقوق سایر کشورها دیده می‌شود. برای مثال منع ربا یا تولید و تجارت مسکرات و مواد مخدر و سایر کالاهای حرام از این قبیل است که در قلمرو معاملات ممنوع قرار می‌گیرند و در اسلام منع شده‌اند.

دستورات اخلاقی مکملی وجود دارد که افراد را ترغیب می‌کند تا اموال مملوک خود را کنز نمایند و در حد میسر در جهت رفاه عمومی جامعه و حمایت از اقشار و افراد ضعیف جامعه بکار برند و کفاره بسیاری از گناهان و استحباب بسیاری از اعمال در این ارتباط تعریف و افراد تشویق شده‌اند که بدان عمل نمایند.

آزادی اشتغال و مصرف

قرآن کریم می‌فرماید: «او آن خدایی است که زمین را برای شما نرم و هموار گردانید پس شما در پست و بلندی‌های آن حرکت کنید و از روزی او بخورید و (بدانید که) بازگشت همه خلاق به سوی اوست». لفظ این آیه هر چند اشاره به کار و شغل ندارد ولی آزادی بهره‌برداری از زمین را بطور کلی مطرح ساخته و هیچ تبعیض بین افراد بشر در این حق قرار نداده است. برخی استثنائات شغلی و خرید و فروش کالاها مبنی بر حرمت و یا کراهت مشاغل یا کالا در فقه اسلام ذکر شده که اینجا به آن نمی‌پردازیم. حصول روزی نامشروع نیز منع شده است، مثلاً روشهای کسب درآمد نظیر تقلب، کلاهبرداری، سرقت، معامله محرمانه، قوادی و مشابه آن نهی شده و برخی امور شغلی نیز مکروه دانسته شده تا کمتر افراد به آن اشتغال داشته باشند از این امور منجمله تکدی، قصابی، شکار، غسالی و مشابه آن است. در سایر موارد خداوند بصورت تنبیهی منع‌کننده مصرف و اشتغال را مورد عتاب قرار می‌دهد و به پیامبر خود می‌فرماید که: «بگو کیست (یعنی چه کسی حق دارد!) که زینت‌های خداوند از روزی پاک که برای بندگانش قرار داده حرام دارد (مانع شود)». یعنی از لحاظ اقتصادی نباید هیچ منعی برای اشتغال، تولید، انتقال، تجارت و مصرف کالاها که خداوند آنها را پاک قلمداد نموده ایجاد نمود.

نظارت دولت و تنظیم بازار

در اسلام وظایف نظارتی و تنظیم بازار در حد مشخص و محدود تعیین گردیده است. سیاست‌های نظارتی در

^۶ - سوره ملک، آیه ۱۵. «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ».

^۷ - سوره اعراف، آیه ۳۲. «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ».

اسلام در جهت جلوگیری از غش در معامله می‌باشد و نه مداخلات اقتصادی. در اقتصادهای فعلی به دلیل تنوع بسیار زیاد کالاها و تخصصی بودن نظارت بر صحت کالاها و معاملات از لحاظ استانداردهای مختلف صنعتی، بهداشتی و کیفیت، این موضوع نیازمند دستگاههای نظارتی خاص است. حقوق معاملات در اسلام و جوب سلامت معاملات را از لحاظ ممنوعیت کم فروشی و یا گران فروشی یا غش در معامله در انواع مختلف آن که در فقه مسطور است را الزامی می‌داند و آیات مختلفی در قرآن کریم این موضوع را تصریح می‌نمایند. احادیث و اخبار نیز حکایت از لزوم نظارت دولت اسلام بر حسن انجام معاملات دارد. برای مثال می‌نویسند که امیرمؤمنان تازیانه‌ای در دست داشت و در بازار قدم می‌زد و اگر کسی کم فروشی می‌کرد یا در تجارت غش می‌نمود تنبیه می‌فرمود.^۸

سیاست‌های تنظیم بازار نیز به نوع خاصی در اقتصاد اسلامی مد نظر قرار دارد. در این ارتباط قاعده ضد احتکار فقط برای ارزاق مردم آن هم در صورت نیاز مبرم آنها مطرح است. این قاعده فقط در مورد قوت مردم که گندم تلقی می‌شود قابل اعمال است و قابلیت تعمیم به سایر کالاها را ندارد. و حتی روایت شده است که «اگر مواد خوراکی آنقدر زیاد است که زندگی مردم در سعه است احتکار آن اشکال ندارد و اگر در مضیقه و سختی بکار می‌برند احتکار طعام ممنوع است» ، علیرغم نظر برخی بر اینکه حکم جلوگیری از احتکار را می‌توان به باقی کالاها تعمیم داد از لحاظ حکمت وضع این حکم معقول به نظر نمی‌رسد. در این ارتباط به فرمان مالک اشتر اشاره می‌شود که علی ع در بررسی و نظارت بر تجار افعال ناروایی چون احتکار را مثال می‌زنند و به مالک امر می‌فرمایند که در این امور نظارت نماید. و این تمثیل حضرت افاده به تعمیم به جمیع کالاها نمی‌نماید.

در این ارتباط باید به این موضوع اشاره نمود که آیات بسیاری در قرآن اغنیا را نکوهش می‌کند که به جمع دارایی (که نوعی احتکار هم هست) اقدام می‌نمایند و همواره آنها را انذار و تحریض می‌کند تا به محرومان جامعه کمک نمایند ولی هیچگاه تائید نمی‌فرماید که می‌توان اموال آنها را مصادره و بفروش رساند یا قیمت بر کالاهای آنان گذاشت. با همین استدلال می‌توان عدم تطبیق برخی احادیث و اخبار مروی از معصوم ع را در تضاد با روح قرآن کریم دانست و حکم احتکار را تعمیم نداد. چه که فرموده‌اند اگر روایتی از ما برخلاف قرآن بود آن را به دیوار زنید.

از طرف دیگر سیاست‌های تنظیم بازار در اسلام قابلیت تعمیم به نرخ گذاری و قیمت کالاها ندارند. در فرمان مالک اشتر درباره نظام قیمت گذاری می‌فرماید:^۹ «باید خرید و فروش آسان صورت پذیرد و با میزان عدل انجام گردد با نرخهای نه به زیان فروشنده و نه خریدار» مفهوم این عبارت از لحاظ اقتصادی بهینگی پارتو می‌باشد که از کارآئی بازار برخوردار است و در این حالت عمل معامله بر روی منحنی قرارداد در جعبه اجورث قرار دارد که در متون اقتصاد خرد مسطور است. در این حالت به شرط رقابتی بودن بازارها عادلانه‌ترین توزیع اقتصادی از لحاظ کارآئی وجود خواهد داشت. لذا مفهوم کلام حضرت در این است که قیمت‌ها بایست توسط بازار تعیین شود و نه قیمت گذاری دولتی.

منع کید در معاملات

در اسلام بکار بردن کید در امور اقتصادی ممنوع است. در قرآن کریم می‌فرماید:^{۱۰} «اموال یکدیگر را به

^۸ - قاضی نعمان (۱۴۱۱ق) دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۵۳۸، دارالاضواء، بیروت، لبنان.

^۹ - نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸. فرمان به مالک اشتر.

^{۱۰} - سوره بقره، آیه ۱۸۸، وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَ تَذَلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ.

ناشایست مخورید و آن را به رشوت به حاکمان مدهید تا بدان سبب اموال گروهی دیگر را به ناحق بخورید.» و در آیه دیگر می‌فرماید: ^{۱۱} «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به ناحق مخورید مگر آنکه تجارتی باشد که هر دو طرف بدان رضایت داده باشید.» در تجارت باید منطبق با کیل عمل کند حتی باید ترازویش سنگین باشد که می‌فرماید: ^{۱۲} «آنان که ترازویشان سنگین باشد خود رستگارانند و آنان که ترازویشان سبک باشد به خود زیان رسانیده‌اند و در جهنم خواهند ماند.» و امر خدا بر این است که ^{۱۳} «پیمانۀ و ترازو را از روی عدل تمام کنید.» و می‌فرماید: ^{۱۴} «پیمانۀ را تمام بپردازید و کم فروشی نکنید و با ترازوی درست وزن کنید، به مردم کم مدهید و بی‌باکانۀ در زمین فساد مکنید.» و در سورهٔ مطففین آیهٔ ویل برای کم فروشان نازل شده است که می‌فرماید: ^{۱۵} «وای بر کم فروشان، آنان که چون از مردم کیل می‌ستانند آن را پر می‌کنند و چون برای مردم می‌پیمایند یا می‌کشند از آن می‌کاهند. آیا اینان نمی‌دانند که زنده می‌شوند در آن روز بزرگ.» و باز می‌فرماید: ^{۱۶} «در پیمانۀ و ترازو نقصان مکنید، اینک شما را در نعمت می‌بینیم و از روی که عذابش شما را فروگیرد بیمناکم. ای قوم، پیمانۀ و ترازو را از روی عدل کامل ادا کنید و به مردم چیزهایشان را کم مدهید و چون تبه‌کاران در زمین فساد مکنید.» تمام این آیات دلالت بر وجوب رعایت صحت معامله دارد و می‌توان وظیفه نظارت بر حسن اجرای این آیات را از وظایف دولت اسلام در امور نظارت بر بازار دانست و لذا هزینه‌های نظارتی نیز بر این اساس مشروع می‌باشد. در این ارتباط باید گفت که اجرای سیاست‌های نظارت و تنظیم بازار در اسلام محدود به موارد ذکر شده است و نه بیش از آن.

احتکار

مورد دیگر که مداخله دولت در حقوق مالی افراد را مطرح می‌سازد ممنوعیت احتکار ارزاق عمومی در سالهای قحطی است. و این مورد فقط به ارزاق عمومی و آن هم در سالهای خشکسالی محدود می‌شود که در این زمان دولت مجاز به شکستن انبارها و توزیع ارزاق عمومی در میان مردمان است و چنانچه این شرایط نباشد مجاز به این کار نیست. و در اینکه ارزاق عمومی در چیست غالب نظرات فقهی به مسئله احتکار گندم که رزق عمومی افراد جامعه برای بقای آنان در هنگام قحطی است منحصر می‌شود. البته رزق عمومی در کشورهای مختلف می‌تواند متفاوت باشد مثلاً در کشور مکزیک ذرت به عنوان رزق عمومی تلقی می‌شود که در آنجا در عوض نان گندم از نان ذرت ارتزاق می‌شود. در غیر این مورد مداخله در بازار حتی در قیمت‌گذاری کالاها و خدمات مستند قرآنی دیده نمی‌شود هر چند برخی به استناد به

۱۱ - سورهٔ نساء آیه ۲۹، یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ.

۱۲ - سورهٔ مؤمنون، آیات ۱۰۳-۱۰۲، فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدِينَ. همچنین آیات ۸-۹ سورهٔ اعراف: فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ.

۱۳ - سورهٔ انعام، آیه ۱۵۲، وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ.

۱۴ - سورهٔ شعراء، آیات ۱۸۳-۱۸۱، أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ وَ زِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ.

۱۵ - سورهٔ مطففین، آیات ۵-۱، وَ يَلِّ لِلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَ إِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ.

۱۶ - سورهٔ هود، آیات ۸۴-۸۵، وَ لَا تَنْفُسُوا الْمِكْيَالَ وَ الْمِيزَانَ إِنِّي أَرَأَيْتُمْ بَخِيلٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُجِيطٍ وَ يَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ. همچنین آیه ۸۵ سورهٔ اعراف، فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.

سنت برخی مداخلات در قیمت گذاری کالاها و خدمات را بر می‌شمرند که با توجه به این آیه قرآن که فرماید: ^{۱۷} «ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموالتان را بین خودتان به باطل مخورید مگر اینکه تجارتي باشد که از آن راضی باشید و خودتان را نکشید همانا خداوند به شما رحیم است و هر کس از روی دشمنی و ستمگری چنین کند، پس او را به زودی در آتش دوزخ در آوریم، و این برای خدا آسان است.» این آیه مبین این است که عدم رضایت در تجارت به معنی باطل بودن آن است و تراضی طرفین شرط صحت آن می‌باشد و مسلماً مداخله شخص ثالث مانند دولت منجر به باطل شدن تجارت می‌گردد. یعنی اگر دولت اقدام به قیمت گذاری نماید هر چند طرف خریدار خشنود از این قیمت گذاری باشد ولی به دلیل عدم رضایت فروشنده شرط تراضی از بین می‌رود و اگر معامله انجام شود اکل باطل تلقی می‌گردد. در شرح بیشتر این آیه در ارتباط با موارد اکل می‌فرماید: ^{۱۸} «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ أَي كَسَانِي كِه ايمان آورده‌اید اموال یکدیگر را به باطل مخورید، تأديب در اموال و انفس است. بدانکه الفاظ چنانکه گذشت، برای حقایق به اعتبار عناوین مرسله بدون اعتبار خصوصیتی از خصوصیات مصادیق آنها، اعم از کلی یا جزئی وضع شده‌اند. مثلاً لفظ زید برای ذات مخصوص زید وضع شده بدون اعتبار حالت و خصوصیتی از حالات و خصوصیات او. چه زید در حال کودکی زید است و در حال پیری نیز زید است و همچنین بر حسب تجسم و تجردش، در حالی که با ماده بشری خویش باشد زید است و در حالی که فارغ از ماده است نیز زید است و مقتدر هم باشد زید است و مجرد از تقدّر نیز زید است. پس هیچ یک از خصوصیات احوال و یا خصوصیات نشئه‌ها در وضع و اطلاق آن معتبر نیست. و غریب شمردن کسانی که ادراکشان از عوالم حسّ تجاوز نمی‌کند و حصر کردن آنها مفاهیم را در مصادیق حسّی حجّت بر خودشان است نه برای ما؛ چون آنها بر حسب نشئه‌ای که در آن هستند مصادیق سایر نشئه‌ها را درک نمی‌کنند، پس تعمیم مفاهیم برای آنها امکان پذیر نیست، و در اخبار تصریحات و اشاراتی به آنچه که ما ذکر کردیم وجود دارد. خداوند ما را به آنها بینا سازد. بنابراین اکل به معنی خوردن در هیچ خصوصیتی از خصوصیات اکل حیوانی از داخل کردن چیزی در دهان حس و جویدن آن با دندان و فرو بردن و ادخال آن در شکم و همچنین خصوصیات اکل و یا خصوصیات مأکول و خصوصیات چیزی از نشئه‌ها در آن اعتبار نشده است. پس آن (اکل) اسم عملی است که باعث قوام فاعل و ازدیاد قوت او به هر نحوی و در هر نشئه‌ای که واقع شود گردد. پس بازی کردن اطفال اکل است برای آنان بر حسب نوعی از اکل که همان خیال حیوانی بازی است، و تجارت تجار و زراعت کشاورزها و نکاح نکاح‌کننده‌ها بر حسب نیروئی از نیروهای آنان اکل حساب می‌شود. بلکه فعل هر فاعلی در هر نشئه‌ای که باشد اکل برای اوست. و مال اسم است برای مملوک و هر اندازه که ملکیت در آن قوی‌تر باشد صدق اسم مال قوی‌تر است. بنابراین اعراض دنیوی جز آنچه که شارع یا عرف اعتبار کرده است، هیچ حیثیت مملوکیت بر آنها نیست، مثلاً هر چه که تحت استیلاي مرد باشد آن را مال حساب کنند مال او و مملوک او مال است و قوای نفسانی که تحت تصرف نفس است و هیچ حیثیتی جز حیثیت مملوکیت برای نفس ندارد به صدق مال سزاوارتر است. و همچنین است علوم و صنایعی که ملکه شده‌اند، و یا ملکه نشده‌اند ولی در خزینة عقل ثابت هستند (نیز مال محسوب می‌شوند). و خطاب در بَيْنَكُمْ برای جماعت ذکور است خواه در عالم کبیر یا در عالم صغیر انسانی باشند، در نشئه طبع و یا در غیر آن باشند. و از باب تغليب (غلبه اسم مذکر بر مؤنث) زنان را نیز شامل

۱۷ - سوره نساء، آیه ۲۹: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ»

۱۸ - بیان السعاده في مقامات العباده، جلد چهارم ترجمه، صص ۴۷-۴۴.

می‌شود. و باطل به فعلی که غایتی ندارد یا غایت عقلی و یا عرفی ندارد و به فعلی که به غایت خود نرسیده، و به سنت و طریقه‌ای که بر اساس مستحکم بنا نشده باشد، و به سنتی که بر اساس الهی بنا نشده باشد گفته می‌شود. و به چیزی هم که اصلاً حقیقتی ندارد باطل گفته می‌شود مانند عدم‌ها یا چیزی که در نفس الامر حقیقت ندارد مانند سراب، و نیز به چیزی که تحقق ذاتی ندارد بلکه تحقق آن عرضی است مانند ماهیات و به چیزی که به خودش تحقق ندارد و بلکه به علت محقق می‌شود مانند وجودات امکانی و به چیزی که تحقق آن مخفی باشد به نحوی که عدم‌ها بر آن غالب باشد مانند ملکوت سفلی که چون عدم بر آن غلبه دارد باطل است، اگرچه سایر معانی باطل نیز بر آن صادق است. پس آیه شریفه بر حسب مصادیقش دارای وجوه متعددی است که بعضی بالاتر از بعضی دیگر است. پس نخستین مصادیق آیه که به فهم عوام نزدیکتر است همان خوردن معروف است که با جویدن و بلع متحقق می‌شود. و معنی آیه این است که اعراض دنیوی را بین خودتان به سبب راه باطل که شارع آن را سنت نکرده و مباح ندانسته است یا به سبب مبدأ باطلی که عبارت از نفس و شیطان است با جویدن مخورید. زیرا که حاکم و محرک فعل یا نفس و شیطان است یا عقل و رحمان. و دانستی که شیطان به جهت غالب بودن عدم‌ها بر او باطل است. دومین مصداق آیه این است که اموال دنیوی خود را بین خودتان به باطل تصرف نکنید، به هر دو معنی که آن نیز نزدیک به فهم عموم است. سوم اینکه افعال خودتان را به هر دو معنی باطل نکنید. چهارم: افعال تکلیفی قلبی نبوی را بحسب مبداء باطل یا به غرض باطل انجام ندهید. پنجم: افعال تکلیفی قلبی ولوی بین خودتان را به سبب باطل به هر دو معنی انجام ندهید. ششم: قوایتان را بین خودتان در راه باطل صرف نکنید. هفتم: علوم خودتان را (از راه باطل) اخذ نکنید و (در راه باطل) صرف نکنید. هشتم: مدد حیات و ماده زندگی خود را (به باطل) صرف نکنید. نهم: مشاهدات و مشهودات خودتان را (از طریق باطل) نگیرید. *إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ* مگر اینکه تجارتي باشد که مورد رضایت شما باشد که به آنچه که گذشت امکان تعمیم دارد. *وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ* و خودتان را مکشید، عبارت یا مربوط به معطوف علیه است از باب اینکه صرف کردن اموال بدون معیار موجب قتل انفس می‌شود، و نهی از آن همانند علت نهی از آن (صرف اموال) است یا اینکه حکم مستقل است، و تعمیم آن مخفی نیست. *إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا* زیرا خداوند به شما رحیم است، علت نهی خدای تعالی از صرف اموال به باطل و قتل انفس است، چون رحمت او همانند سایر تکالیف داعیه‌ای بر این نهی است. در همین سوره در جای دیگر می‌فرماید:^{۱۹} «و به سبب رباخواریشان و خوردن اموال مردم به باطل و حال آنکه از آن منع شده بودند، برای کافرین عذابی دردآور مهیا کرده‌ایم».

منحصر بودن هزینه دولت به واجبات جامعه

این اصل بسیار دقیق و حساس می‌باشد و مرز بسیاری امور سیاستگزاری را مشخص می‌کند. منظور از واجبات اموری است که شریعت اسلام آن را مؤکداً لازم دانسته و محرّمات آن است که اجازه عمل به آن داده نشده است. برای مثال مسائل تأمین اجتماعی از واجباتی است که دولت موظف به انجام آن است ولی مجوزی برای هزینه چراغانی میلاد نور چشم همه مسلمین رسول اکرم ص یا سایر اعیاد و یا سیاه بندان در عزاداری‌ها در دولت اسلام وجود ندارد. هر فرد آزاد است که آن گونه که میل دارد آذین ببندد ولی دولت محق نیست از اموال و منابع دیگران (زکات و سایر مالیات‌ها و درآمدها) در این گونه امور استفاده نماید. تبلیغ دین، امر به معروف و نهی از منکر نیز مختص صاحبان امر و اجازه

^{۱۹} - سورة نساء، آیه ۱۶۱، *وَ أَخَذِهِمُ الرِّبَا وَ قَدْ نُهِوا عَنْهُ وَ أَكَلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا*.

است و این افراد هم در این راه مجاز به دریافت حق الزحمه نیستند که ذکر آن رفت که رسول خدا ص هم نمی گرفتند. در امور حرام به طریق اولی هزینه کردن ممنوع است. مثلاً نمی توان برای گردش بهتر امور رشوه در نظر گرفت و جزو هزینه های جاری احتساب نمود. گرچه برخی فقها در پرداخت رشوه برای احقاق حق مجوز داده اند ولی موضوع فوق تشابه آرمانی از لحاظ هدف مسئله ندارد. یا مثلاً نمی توان هزینه های ازدواج مأموران دولتی (در ماموریت های نزدیک یا دور) را به احتساب رفاه حال آنان قانونی و مشروع دانست. یا نمی توان مهمانی های تشریفاتی داد یا نمی توان ساختمان های زیبا و لوکس برای دستگاه های دولتی ساخت. البته تعریف لوکس موضوعی منوط به عرف جامعه است ولی به هر حال صرف هزینه باید در جهت حساسیت و جوب آن باشد. باید متوجه بود که عشر درآمد ناشی از زکات زارع به درآمد دولت اسلام مبدل گشته است. آیا انصاف است که حاصل زحمت زیر آفتاب یک کشاورز تبدیل به اتومبیل سواری آخرین مدل آقای مدیری گردد که وظیفه نوکری اربابش یعنی همان زارع را دارد؟

موارد مثال در این باب بسیار است، مثلاً بسیاری از هزینه های رفاهی پرسنل دولت از محل هزینه های عمومی اشکال دارد. اگر قرار بود بایست رسول خدا ص و امیر مؤمنان ع از این محل وجوهی را لاقبل برای خود و عاملین دولتی هزینه می کردند که در تاریخ چیزی در این باب ثبت نشده است. مسلماً حقوق کارمندان دولتی جدا از هزینه رفاهی آنان است. بایست حقوق ایشان را به نحو مقتضی مبتنی بر ارزش بازدهی آنان پرداخت ولی هزینه کردن برای مسائل رفاهی آنان جای بسی اشکال است. بهترین راه در این باب این است که شفافیت حقوق و دستمزد رعایت شود و هرگونه پرداختی به آنان در قالب حقوق و دستمزد صورت گیرد و نه به صورت غیرمستقیم از طریق اعطای امتیازات رفاهی و غیره.

به طریق اولی انداختن سفره های مهمانی دولتی برای کارمندان جواز ندارد ولی برای نیازمندان تجویز شده است. این موضوعات و بسیاری موارد مشابه دیگر قلمرو هزینه های دولت را مشخص می نماید و می توان تا تدوین دستورالعمل اجرایی در این باب به ریز موضوعات نیز وارد شد. کلیت این موضوع در این است که حکومت اسلام حق ندارد برای انجام هدف به هر وسیله ای متوسل شد. یعنی هدف وسیله را توجیه نمی نماید.

قرآن کریم می فرماید: ^{۲۰} «و به نزدیکان و مساکین و راه ماندگان حق آنها را بده و به نوعی تبتذیر نکنی که همانا تبتذیر کنندگان نظایر شیطانند و شیطان نسبت به پروردگارش ناسپاس بود. و اگر به انتظار گشایشی که از جانب پروردگارت امید می داری از آنها اعراض می کنی، پس با آنها به نرمی سخن بگوی. نه دست خویش از روی خست به گردن ببند و نه به سخاوت یکباره بگشای که در هر دو حال ملامت زده و حسرت خورده بشینی. پروردگار تو در رزق هر کس که بخواهد گشایش می دهد یا تنگ می گیرد زیرا او به بندگانش آگاه و بیناست.» این دستور کلی عقلی است و عرف مبین آن است. کلیه هزینه های عمرانی در این مقوله قابل بررسی است. طیف هزینه های عمرانی بسیار وسیع است و معیارهای فوق که منطبق با معیار عقل است می تواند در اتخاذ تصمیم درباره مشروعیت این اقدامات عمرانی رهنمون باشد. زیرا در اصل حکمت تشریح بسیاری از قوانین و رها نمودن و مباح گذاشتن بسیاری دیگر از موضوعات به دلیل همین موضوع بوده که حرمت یا وجوب احکام جزئی در ازمنه و امکان مختلف متفاوت است. لذا در همه موضوعات

۲۰ - سوره اسرا آیات ۳۰-۲۶. «وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ لَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا. إِنَّ الْمُبْتَدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا. وَ إِذَا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَعَلَّ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا. وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا. إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا»

تشریح فرمود و اتخاذ تصمیم درباره آنها را به عقل سلیم ولی خدا منوط فرمود که با رعایت حال مردم و شرایط مختلف بهترین مصلحت مد نظر خدا را مرعی فرماید.

انجام هزینه و سرمایه گذاری و یا خرید و فروش بسیاری از کالاها در شرع انور حرام است و نمی توان برای این اقدامات هزینه نمود. مثلاً خمر حرام است. سرمایه گذاری برای تولید خمر و به طریق اولی مواد مخدر فروش آن به خارج از کشور مجاز نیست و یا به دلیل اینکه مصرف مواد مخدر حرام است، دولت اسلام مجاز نیست که جهت انتقال مواد مخدر به کشور دیگر یا فروش آن حتی به غیرمسلمین سرمایه گذاری و هزینه نماید. اخذ ربا و اکل اموال مردم به باطل چه در داخل کشور و چه در خارج کشور حرام است و دولت اسلام مجاز به سرمایه گذاری یا صرف هزینه در این موارد یا موارد مشابه نیست.

عکس این قضیه، دولت اسلام مجاز به تحریم فعالیت های مباح نیست فقط در حیطة چارچوب شریعت اسلام مجاز به تقنین است که فرمود: ^{۲۱} «ای کسانی که ایمان آورده اید آنچه را که خداوند بر شما حلال کرده است حرام نکنید و تجاوز ننمائید و همانا خداوند تجاوز کنندگان را دوست ندارد. و بخورید (مصرف کنید) از آنچه که خداوند برای شما حلال و پاک قرار داد و بترسید از خدای که به او ایمان دارید.» در این باب بسیاری از عملیات مالی و سیاستگزاری های دولت را می بینیم که حقوق دیگران را تحریم و ممنوع می کند و خود اقدام به هزینه در آن باره می نماید. این گونه اعمال سیاستگزاری بر طبق آیه شریفه فوق جواز شرعی ندارد.

امور عام المنفعه

نظارت دولت بر امور عام المنفعه نیز از اشکال مداخله دولت در امور مالی افراد است که از این طریق دولت ها با مداخله در امور صاحبان تأسیساتی که برای امور عمومی افراد ضروری است سعی می نمایند تأمین احتیاجات افراد جامعه را مد نظر قرار داده و آنها را حفظ نمایند. مواردی نظیر ارتباطات، برق، آب و مشابه آن از این گروه است. البته مسائل متعددی در این ارتباط بالاخص درباره قیمت گذاری کالاها و خدمات عمومی مطرح است که دیدگاه های مختلف سیاسی در جوامع مختلف نظرات متنوعی در این ارتباط دارند. طیف این نظرات از مصادره بنگاه های مولد خدمات عمومی تا استقلال و مالکیت مطلق آنها دیده می شود.

اصل جبران خسارت ناروا

اصل جبران خسارت ناروا یا اصل جبران عمل خلاف ^{۲۲} در حقوق داخلی نظام های مختلف حقوقی پذیرفته شده است و در قوانین آنها روش جبران خسارت نیز معین گردیده است. طبق تعریف کلی اگر شخصی با اقدام به عملی یا خودداری از انجام عملی به دیگری خسارت زند موظف است تا خسارت وارده را جبران نماید. از لحاظ حقوق بین الملل این جبران اقدامی است که به نفع یک کشور یا یک سازمان بین المللی صورت می گیرد تا خسارت متحمل شده را جبران نماید و هدف از این اقدام اعاده وضعیّت قبل از خسارت می باشد. از این اصل در ماده ۳۷ قرارداد لاهه ۱۹۰۷ به عنوان یکی از اصول عمومی مورد قبول ملل متمدن نام برده شده است.

۲۱ - سورة مائده آیات ۸۸-۸۷ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرِمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ.

22 - Reparation.

این اصل در اسلام نیز در قالب مبحث فقهی ضمان مطرح و کاملاً پذیرفته شده است و هرگونه خسارت وارده از طرف فرد یا دولت به دیگری اعم از حیطة عمل خصوصی یا عمومی مستلزم اعاده وضعیّت قبل از خسارت یا جبران خسارت وارده می‌باشد به نحوی که جبران عمل خلاف خاطی شود. اصالت این اصل در حقوق بین‌الملل خصوصی تا وقتی که طرفین شخصیت‌های حقیقی یا عینی هستند کمتر دچار تردید است تا حقوق بین‌الملل عمومی که طرفین دعوی دولت‌ها هستند و موضوع ستاندن خسارت از دولت‌ها مبحث وسیعتری از لحاظ کمی و کیفی است. به هر حال این اصل کلی (بدون توجه به مسائل مربوط به اثبات اصالت حق) در حقوق بین‌الملل عمومی در حقوق اسلام به رسمیت شناخته شده است.

در قرآن کریم آیات زیادی در مورد پاداش افراد آمده است و در همه این آیات جزا متناسب با جرم در نظر گرفته شده است.^{۲۳} به طور کلی قرآن کریم می‌فرماید: «هرکس در گرو کاری است که کرده است.» این آیه در سوره جاثیه به قوم هم تعمیم داده شده است. می‌فرماید: «خود آن مردم به جزای اعمالی که مرتکب شده‌اند پاداش می‌بینند.» شاید این آیه را دلیلی بر مسؤولیت قومی و گروهی و ملی دانست که آثار آن در مسائل بین‌المللی نیز قابل تسری است. در سوره قصص به این موضوع تصریح می‌شود که پاداش عمل نیک بهتر از آن است ولی جزای عمل بد به اندازه همان عمل خواهد بود. می‌فرماید: «هرکس که کار نیکی انجام دهد بهتر از آن را پاداش یابد و هرکه مرتکب گناهی شود، پس آنان که مرتکب گناه شوند جز به اندازه عملشان مجازات نشوند.» و در سوره شوری می‌فرماید:^{۲۷} «جزای هر بدی بدی است همانند آن، پس کسی که عفو کند و صلح کند مزدش با خدا باشد.»

مالیات عشر (عشریه) در ادیان و دوران باستان

یکی از نرخهای مهم در مباحث مالیات‌های اسلامی عشر است. علیرغم اهمیت زیاد عشریه متاسفانه کمتر به این بخش از مالیه اسلامی توجه می‌شود.^{۲۸} بعضاً برخی هم در باب آن اظهار نظر نموده و آن را از مسائل جدید خوانده‌اند. در لغتنامه دهخدا^{۲۹} در مدخل عشر آمده است که: عشریه مترادف با واژه «ما-عشر» (Ma-Asher) و با واژه آسوری «عیش-رو-یو» (Ish-Ru-U) خراجی جنسی بر مبنای یک دهم بوده است^{۳۰} و نیز مالیاتی بوده که توسط سلاطین وصول

^{۲۳} - سوره صافات، آیه ۳۹ و ما تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ، جز در برابر اعمالتان کیفر نخواهید دید. سوره زمر، آیه ۷۰ وَ وُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ پاداش هرکسی برابر کردارش به تمامی ادا شود. سوره یس، آیه ۵۴ وَ لَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ، و جز همانند کاری که کرده‌اید پاداش نمی‌بینید. سوره تحریم آیه ۶۷ و سوره طور، آیه ۱۶ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ شما را در برابر کارهایی که کرده‌اید مجازات می‌کنند. سوره واقعه آیه ۲۴، جَزَاءٌ مِّمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ، پاداش به عمل انجام شده تعلق می‌گیرد.

^{۲۴} - سوره مدثر، آیه ۳۸. كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ.

^{۲۵} - سوره جاثیه، آیه ۱۴. لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ.

^{۲۶} - سوره قصص، آیه ۸۴. مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِيْنَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.

^{۲۷} - سوره شوری، آیه ۴۰: وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَ أَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ

^{۲۸} برای توضیحات بیشتر نگاه کنید به: بیدآباد، بیژن. عشریه در مالیه اسلام، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران، ۱۳۸۳، تهران.

<http://www.bidabad.ir/doc/malyat-oshr.pdf>

^{۲۹} - لوح فشرده لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، موسسه دهخدا، روایت دوم.

^{۳۰} - قرشی، انور اقبال ... صفحه ۱۵۳.

می‌شده و همچنین قانونی اجباری منسوب به حضرت موسی ع در مورد پرداخت مالیات زکوی بوده است.^{۳۱} در متون انگلیسی از واژه‌های one-tenth و tithe برای عشریه استفاده می‌شود. مکس، عشر که در جاهلیت در بازار از بایع می‌گرفتند.^{۳۲} (اصطلاح فقه) آنچه گرفته می‌شد از زکات زمین قبول کنندگان اسلام و یا زمینی که مسلم آن را احیا کرده بود.^{۳۳} ده یک زکاتی که از محصولات آنکه بر آنها تعلق می‌گیرد گرفته می‌شود بشرط آنکه محصولات مزبور بدون هزینه آبیاری شود.^{۳۴}

در کتب بسیار قدیمی از عشریه به انحاء گوناگون نام برده می‌شود. در تفسیر مجموع القوانین همورابی متعلق به ۱۷۸۰ سال پیش از میلاد مسیح، مزد دستگیری برده فراری را عشر ارزش متوسط آن احتساب می‌کند و عشریه را میزان حق الاجاره زمین برای خدا می‌داند.^{۳۵} در قانون مانو نوشته شده ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح به پرداخت عشریه بعنوان مالیات پرداختنی به پادشاه اشاره شده است.^{۳۶} در منتخبات کنفسیوس در ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح از عشریه به عنوان مالیات رایج ذکر می‌شود و در مورد افزایش آن به خمس در زمان کسری در آمد حاکم نیز ذکری به میان آمده است.^{۳۷} در تاریخ هرودت^{۳۸} که حدود ۴۳۰ سال قبل از میلاد مسیح نوشته شده و در کتب آریستوفن^{۳۹} در ۴۲۴ و ۴۲۲ سال قبل از میلاد به عشریه اشاره می‌شود و در قانون اساسی آتن نوشته ارسطو در ۳۲۸ سال پیش از میلاد مسیح آمده است که پیزیستراتوس عشریه را بر تمام محصولات کشاورزی وضع نمود.^{۴۰}

³¹ - Shorter Encyclopedia of Islam, p610

^{۳۲} - ناظم الاطباء.

^{۳۳} - یادداشت مرحوم دهخدا.

^{۳۴} - فرهنگ فارسی معین.

³⁵ - The code of Hammurabi commentary (1780 BC), Rev. Claude Hermann Walter Johns, M.A. Litt.D. Translated by L. W. King, With commentary from Charles F. Horne, Ph.D. (1915), The 11th Edition of the Encyclopedia Britannica, 1910 Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc.

The tithe seems to have been the composition for the rent due to the god for his land. It is not clear that all lands paid tithe, perhaps only such as once had a special connexion with the temple.

³⁶ - The law of Manu, translated by G. Buhler, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc., Religious document laws of Manu (Hindu) (1500 BC) - The oldest book of the Hindu religion. The "Laws of Manu," (also called the "Code of Manu") was more a code of ethics than an actual set of legislative laws. Manu was the mythical ancestor of the Manava tribe (or school) of Brahmans near Delhi. Represented as the son of a god, it was believed that he received his laws from Brahma himself. This translation by G. Buhler is from the "Sacred books of the east".

Chapter VIII, 33. Now the king, remembering the duty of good men, may take one-sixth part of property lost and afterwards found, or one-tenth, or at least one-twelfth. 107. A man who, without being ill, does not give evidence in (cases of) loans and the like within three fortnights (after the summons), shall become responsible for the whole debt and (pay) a tenth part of the whole (as a fine to the king).

³⁷ - Confucius (500 BC), Confucian analects, Confucius, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc., Confucius (~551-479 BC) - The great Chinese philosopher whose ideas and teachings became China's major philosophy by the 2nd century BC. Analects (500 BC) - one of the Chinese four books, the principle works of Confucianism. The Analects are a collection of the sayings of Confucius and stories about him. Chapter 12.

³⁸ - Herodotus (~430 BC), The history of Herodotus, Herodotus, translated by George Rawlinson, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc., Herodotus (484-425 BC) - A Greek historian who traveled over most of the known world during his lifetime. His richly detailed systematic treatment of his subjects and unquestioned mastery as a writer have earned him the title of the Father of History. History of herodotus (~430 BC) - Herodotus' great work is a history of the Persian invasion of Greece. It is divided into nine books, each of which is named after one of the nine Muses.

³⁹ - Aristophanes, The knights (424 BC), anonymous translator. Aristophanes, The Wasps, (422 BC), anonymous translator, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc., Aristophanes (445-380 BC) - Greek comic playwright who wrote in the style known as Old Comedy, a free and farcical form that allowed him to ridicule the public figures and institutions of his time.

⁴⁰ - Aristotle (328 BC), The Athenian constitution. Translated by Sir Frederic G. Kenyon, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc., chapter 16. Aristotle (348-322) - One of the most prominent Greek philosophers, he is said to have reflected on every subject which came within the range of ancient thought. Called "the master of those who know," by Dante, his influence on the history of thought and knowledge is unparalleled. Athenian Constitution - This treatise, the only work Aristotle actually prepared for publication and the only surviving ancient Greek constitution, covers the history and

در قدمت عشریه می‌توان از تورات استنباط نمود که این مالیات قبل از ظهور موسی ع نیز وجود داشته است. در سفر پیدایش باب ۲۸ آیه ۲۲ درباره یعقوب ع آورده شده که به درگاه پروردگار عرض کرد: «آنچه به من بدهی ده یک آن را به تو خواهم داد». در همان اوان خمس هم تشریح شده بود در باب ۴۷ از سفر پیدایش آیات ۲۶-۲۳ می‌فرماید: «و یوسف به قوم گفت اینک امروز شما را و زمین شما را برای فرعون خریدم همانا برای شما بذر است تا زمین را بکارید و چون حاصل برسد یک خمس به فرعون دهید و چهار حصه از آن شما باشد برای زراعت زمین و برای خوراک شما و اهل خانه‌های شما و طعام به جهت اطفال شما. گفتند تو ما را احیا ساختی در نظر آقای خود التفات بیاییم تا غلام فرعون باشیم. پس یوسف این قانون را بر زمین مصر تا امروز^{۴۱} قرار داد که خمس از آن فرعون باشد». منظور از فرعون در این آیات اشاره به عزیز مصر است و ماجرا مربوط به هفت سال دوم دوران تصدی یوسف ع بر سرزمین مصر است که قحطی همه جا را فرا گرفته بود.^{۴۲}

متعاقباً در دوران بعد نیز عشریه مبنای مالیات‌های مذهبی بوده. در تورات مکرراً از عشریه به عنوان قاعده اصلی زکات نام برده شده است. در سفر لاویان^{۴۳} به صراحت آمده است: «و تمامی ده یک زمین چه از تخم زمین چه از میوه درخت از آن خداوند است و برای خداوند مقدس می‌باشد. و اگر کسی از ده یک خود چیزی فدیة^{۴۴} دهد پنج یک آن را بر آن بیفزاید و تمامی ده یک گاو و گوسفند یعنی هر چه زیر عصا بگذرد دهم آن برای خداوند مقدس خواهد بود. در خوبی و بدی آن تفحص ننماید و آن را مبادله نکند و اگر آن را مبادله کند هم آن و هم بدل آن مقدس خواهد بود و فدیة داده نشود این است اوامری که خداوند به موسی برای بنی اسرائیل در کوه سینا امر فرمود». در جای دیگر خطاب به موسی ع می‌فرماید^{۴۵}: «عشر تمامی محصولات مزرعه خود را که سال به سال از زمین برآید البته بده» در سفر تثیبه آمده^{۴۶}: «و در سال سوم که سال عشر است چون از گرفتن تمامی عشر محصول خود فارغ شدی آن را به لاوی و غریب و یتیم و بیوه زن بده تا در اندرون دروازه‌های تو بخورند و سیر شوند».

در تورات از خمس نیز نام برده شده است. کاربرد خمس در تورات در نذر و خیریه بسیار جالب است و خطاب به موسی ع می‌فرماید: «بنی اسرائیل را خطاب کرده به ایشان بگو چون کسی نذر مخصوص نماید نفوس بر حسب برآورد تو از آن خداوند باشند ... پیش کاهن حاضر کند و کاهن آن را چه خوب و چه بد قیمت کند و بر حسب

politics of Athens to about 328 BC.

^{۴۱} - در اقتصاد روستائی تا این اواخر در ایران و بسیاری از کشورهای دیگر که ماشین‌آلات کشاورزی به عنوان عامل تولید وارد فعالیت‌های زراعی نشده بود تولید محصولات زراعی تابع ۵ عامل مرد، بذر، زمین، آب و گاو در نظر گرفته می‌شد. و بر اساس اینکه مالک یا زارع، مالک کدام یک از عوامل بودند حاصل تولید را بین صاحبان عوامل توزیع می‌کردند و مالک زمین و بذر و آب و گاو و مرد هر کدام خمس تولید را دریافت می‌نمودند.

^{۴۲} - سورة یوسف در قرآن کریم و شرح آن در تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباد، تالیف حضرت حاج ملا سلطان محمد بیدختی گنابادی، ترجمه حشمت الله ریاضی و محمد رضاخانی، انتشارات محسن، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

^{۴۳} - تورات، سفر لاویان، باب ۲۷، آیات ۳۴-۳۰، کتاب مقدس عهد عتیق، انجمن پخش کتب مقدسه (۱۹۰۴ میلادی) چاپ ۱۹۷۵ میلادی.

^{۴۴} - فدیة و فدا، بدل یا عوضی است که مکلف بدان از مکروهی که به وی متوجه است رهایی یابد. از تعریفات جرجانی، لغت نامه دهخدا.

^{۴۵} - عهد عتیق، سفر تثیبه، باب ۱۴، آیه ۲۲.

^{۴۶} - عهد عتیق، سفر تثیبه، باب ۲۶، آیه ۱۲.

برآورد تو ای کاهن چنین باشد و اگر آن را فدیه دهد پنج یک بر برآورد تو زیاده دهد...»^{۴۷} نرخ خمس در فدیه برای انواع دارائی‌ها در آیات بعدی از قبیل بهایم، خانه، زمین، و به طور کلی «کل ما یملک»^{۴۸} ذکر می‌گردد. علت ذکر خمس در این باب به این دلیل است که خمس از دو عشر تشکیل می‌شود اگر کسی می‌خواست دارایی را فدیه دهد بایست یک عشر آن را بر اساس آیاتی که از تورات برای عشریه ذکر شد پرداخت می‌کرد و یک عشر دیگر هم از بابت فدا تقدیم می‌نمود که جمعاً دو عشر می‌شود که همان خمس است. این تحلیل تطبیق زیادی نیز با آیه شریفه: «بدانید آنچه را که به غنیمت می‌برید یک پنجم آن برای خدا و برای رسول و برای خویشاوندان و یتیمان و درماندگان و در راه ماندگان است.» دارد زیرا در این آیه نیز اشاره به دریافت خمس از غنیمت شیء است.

در همین آیات تورات در باب برآورد ارزش دارائی‌ها نیز به صراحت ذکر شده است یعنی می‌فرماید هنگام دادن خیریه ارزش دارایی را برآورد کن و بر ارزش نقد آن پنج یک بیفزای. در باب ۲۷ سفر لاویان این تاکید چند ده بار تکرار می‌شود و می‌فرماید: «کاهن نقد آن را ... برای وی بشمارد ...»^{۴۹} «آن را بر حسب برآورد تو فدیه دهد و پنج یک به آن بیفزاید و اگر فدیه داده نشود بی‌موافق برآورد تو فروخته شود»^{۵۱} این نکته بسیار حائز اهمیت است در آیه خمس نیز بر همین اساس می‌توان خمس همه دارائی‌ها و درآمدها را محاسبه و نقد آن را پرداخت کرد. به عبارت دیگر خمس را می‌توان از احکام امضائی دانست و نه تأسیسی.

در تلمود - روش هشانا (Rosh Hashanah) که مربوط به احکام روزهای عید سال نو می‌باشد. اول ماه الول برای احتساب عشریه از گله ذکر شده است.^{۵۲} «مسخت» (Massekhet) یا رساله هشتم از «سدر» یا بخش «موعد» یعنی عید می‌باشد که از «سدرایم» (جمع سدر Seder) یا بخش‌های میشنا Mishnah یا تفسیر تورات می‌باشد. در سدر زراعیم (Zeraiim) یا بذرها «مسخت» یا رساله معسروت (Maaseroth) به معنی «عشریه‌ها» درباره احکام مربوط به عشریه‌هایی است که بایستی از محصولات زمین بدهند. این احکام مرتبط با آیات ۲۱ به بعد از باب ۱۸ سفر اعداد در تورات می‌باشد. در همین سدر مسخت «معسر شنی» (Maasersheni) به معنی «عشریه دوم» درباره مقرراتی است که به متن آیه‌های ۲۷-۲۲ از باب ۱۴ سفر تثینیه مربوط می‌شود.^{۵۳}

با بررسی تاریخی می‌بینیم این قاعده در زمان عیسی ع نیز نسخ نگردید و عشریه همچنان مالیات اصلی بر حاصل تولیدات و درآمد افراد بوده است. در انجیل متی در باب کارهای غلط فریسیان و ملایان یهود آمده است^{۵۴}: «عیسی به مردم و شاگردان خود گفت: چون ملایان و فریسیان بر کرسی موسی نشسته‌اند، شما باید به هرچه آنها می‌گویند، گوش دهید و مطابق آن عمل نمایید؛ اما از اعمال آنان پیروی نکنید؛ زیرا خود آنها آنچه می‌گویند، نمی‌کنند. ... وای بر شما ای

^{۴۷} - تورات، عهد عتیق، سفر لاویان، باب ۲۷، آیات ۱ الی ۳۰.

^{۴۸} - آیه ۲۸.

^{۴۹} - سوره انفال، آیه ۴۱، «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ»

^{۵۰} - تورات، باب ۲۷ سفر لاویان، آیه ۱۸.

^{۵۱} - تورات، باب ۲۷ سفر لاویان، آیه ۲۷.

^{۵۲} - نگاه کنید به: <http://www.iranjewish.com/Tora&nature.htm>

^{۵۳} - نگاه کنید به گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه یهودا حی، مهر ۱۳۵۰.

^{۵۴} - انجیل متی، ۲۳.

راهنمایان کور! شما از نعناع و شوید و زیره ده یک (عشریه) می‌دهید، اما مهمترین احکام شریعت را که عدالت و رحمت و صداقت است، نادیده گرفته‌اید». در انجیل برنابا که در مقایسه با سایر اناجیل از روح عرفانی بیشتری نیز برخوردار است آمده^{۵۵}: «...گفت شکر می‌کنم ترا ای پروردگار من که من مثل باقی مردم خطاکار که هر گناهی را مرتکب می‌شوند نیستم... خصوصاً زیرا که در هفته دوبار روزه می‌گیرم و ده یک آنچه بدست می‌آورم می‌دهم». از مقایسه این آیه و آیات تورات که به آنها اشاره گردید واضح است که تفاوتی بین درآمد و ثروت از لحاظ پرداخت عشر وجود ندارد و خمس به معنی دو عشر است که یک عشر آن به دلیل پرداخت نکردن یک دهم واجب‌الپرداخت قبلی بوده- وقتی که درآمد حاصل شده یا دارایی ارزش یافته یا معامله شده- و یک دهم دیگر از باب فدیة است.

شاید ذکر آیه کریمه سوره مریم به عنوان قرینه‌ای بر آیه فوق از انجیل برنابا خالی از لطف نباشد. «عیسی ع فرمود: من بنده خدایم به من کتاب داده و مرا پیامبر گردانیده است و مرا مبارک قرار داده است و تا زنده‌ام به نماز و زکات توصیه می‌کنم».^{۵۶} اگر هر دو قرینه را بگیریم- که البته سهل است ولی از باب مسامحه در ادله- می‌توان بر حسب قرینه زکات توصیه شده عیسی ع را عشریه دانست. در کتاب مورمون که به فرمایشات عیسی مسیح منتسب است نیز پرداخت عشریه به صراحت ذکر شده است.^{۵۷}

معین می‌نویسد:^{۵۸} به طور کلی عهد ساسانیان بزرگترین دوره رونق آئین مزدیسنا بود. روحانیت زرتشتی در این عهد به کمال اقتدار رسید چنانکه گاهی موبدان و اشراف ضد شاه متحد می‌شدند. نفوذ موبدان در جامعه به حدی مسلم بود که حتی در زندگانی فردی شهروان نیز دخالت می‌کردند. تقریباً همه مسائل می‌باست توسط همین طبقه قطع و فصل شود. سپس از کریستین سن ایران شناس نقل می‌کند: «نفوذ موبدان فقط بر پایه قدرت روحانی ایشان و همچنین داوری‌های عرفی که از طرف دولت موافقت شده بود و نیز قدرت آنان در تبرک بخشیدن ولادتها ازدواجها و غیره... و اقدام به تطهیر و قربانیها متکی نبود، بلکه دارا بودن املاک ارضی و منابع سرشاری که از طریق جرایم دینی و عشریه و صدقات و هدایا وصول می‌شد. مؤید نفوذ آنان بود. بعلاوه، روحانیت زرتشتی دارای نوعی استقلال وسیع بود و می‌توان گفت که موبدان تقریباً دولتی در میان دولت ایجاد کرده بودند».^{۵۹}

عشریه در مذهب مانوی نیز وجود داشته است. به نقل از ابوریحان بیرونی می‌نویسد^{۶۰}: «مانی مردم را به کشتن نفس و ایثار درویشانه، کشتن شهوت، ترک دنیا، زهد گزینی، قناعت و... فرا می‌خواند و همچنین مردم عادی را به قناعت درزندگی زناشوئی با یک زن و ده یک صدقه دادن و یک روز در هفته روزه داشتن دعوت می‌نمود.»

^{۵۵} - انجیل برنابا، فصل ۱۲۸، آیات ۱۳-۱۲، ترجمه حیدرقلیخان قزلباش (سردار کابلی)، مقدمه محمود طالقانی، دفتر نشر کتاب، ۱۳۶۲.

^{۵۶} - آیات ۳۱-۳۰ سوره مریم: «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا وَ جَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الرِّكَاتِ مَا دُمْتُ حَيًّا».

⁵⁷ - Latter Day Saints (the Mormons) (1830), The book of Mormon, another testament of Jesus Christ, an account written by the hand of Mormon upon plates taken from the plates of Nephi, Religious document book of Mormon (1830) (Latter-Day Saints) - One of the principal religious texts of the Church of Jesus Christ of Latter Day Saints (the Mormons). The Mormons believe it contains the gospel of Jesus Christ as taught to the ancient inhabitants of the American continent. Used by the Mormons as a companion and complement to the Bible. Book of Alma, Chapter 13: ALMA 13:15. And it was this same Melchizedek to whom Abraham paid tithes; yea, even our father Abraham paid tithes of one-tenth part of all he possessed.

^{۵۸} - محمد معین، مزدیسنا و ادب پارسی، چاپ دوم، صص ۹-۱۲.

^{۵۹} - کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، ص ۱۳۸.

^{۶۰} - نگاه کنید به: http://mazaheb.blogspot.com/2003_0601_mazaheb_archive.html تصوف و عرفان باباکوهی، ۳۰ ژوئن، ۲۰۰۳.

راغب اصفهانی در معنای عُشر و مشتقات آن در ذیل کلمه عشر می‌نویسد^{۶۱}: «عَشْرَةٌ و العُشْرُ و العِشْرُونَ و العِشِيرُ و العِشْرُ معروف هستند. خداوند فرمود: «این ده تا کامل (سوره بقره، آیه ۱۹۶)، بیست بردبار (سوره انفال، آیه ۶۵)، نوزده نفر (سوره مدثر، آیه ۳۰)» و عَشْرَتُهُمْ اَعَشِرُهُمْ ده تایی معنی دهد، و عَشْرَهُمْ یعنی یک دهم مالش را اخذ کرد و عَشْرَتَهُمْ به معنی ده تا کردن مال است و این که نه تا از ده تا را بگذارد. و معشار شیئی یعنی یک دهم آن شیئی. خداوند می‌فرماید: عشریه یا ده یک آنچه را به ایشان دادیم نرساندند. و ناقه عُشْرَاء به معنای شتری است که از حمل آن ده ماه بگذرد و جمع عُشْرَاء عُشَار است، خداوند می‌فرماید: «آنگاه که شتران ده ماهه که آبستند به کلی رها کنند و به دور افکنند» (سوره تکویر، آیه ۴). عُشَارِی به معنای ده تایی آمدن و عُشَارِی آنچه که طولش ۱۰ ذرع باشد و عُشْر در اظماء (تشنگی) به معنی شتری است که ۹ روز آب نخورده و روز دهم آب می‌خورد. کاسه شکسته به ده تکه و اصل آن ده قطعه شدن است و از آن به قول شاعر استعاره می‌کنم: با تیر تو قلبم ده تکه شد. و عشور در کتب علامت ده آیه است...» در عبارات فوق قسمتی از آیه ۴۵ سوره سبا می‌درخشد که می‌فرماید: «وَ مَا بَلَّغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ» یعنی عشریه یا ده یک آنچه را به ایشان دادیم نرساندند. از لحاظ علم هرمنوتیک (Hermenotic) یا علم تفسیر علی‌الاصول معانی که با ظاهر عبارت مغایرت نداشته باشد را می‌توان به عنوان تأویل آن عبارت ارائه نمود ولی شرح عبارت‌ها اگر با کلمات عبارات نیز منطبق باشند تفسیر آن عبارت خواهد بود. به عبارت دیگر، تفسیر، منطبق با کلمات عبارت است و تأویل منطبق با معانی کلمات عبارت یا مفهوم آن است. با این توضیح و تدقیقی که در ذیل انجام خواهیم داد واضح می‌شود که کلمه «معشار» در آیه فوق دقیقاً همان عشریه است که بر اساس شرحی که داده شد نوعی زکات^{۶۲} یا مالیات می‌باشد.

۶۱ - اصفهانی، راغب (مفردات الفاظ قرآن، انتشارات دارالفکر، بیروت، لبنان، ص ۳۴۷. «العَشْرَةُ و العُشْرُ و العِشْرُونَ و العِشِيرُ و العِشْرُ مَعْرُوفَةٌ» قال تعالی: «تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ، عِشْرُونَ صَابِرُونَ، تِسْعَةَ عَشَرَ» و عَشْرَتُهُمْ اَعَشِرُهُمْ، صرْتُ عَاشِرَهُمْ، وَ عَشْرَهُمْ اَخَذَ عَشْرَ مَاهِمْ وَعَشْرَتَهُمْ صِرْتُ مَاهِمْ عَشْرَةٌ وَ ذَلِكَ اَنْ تَجْعَلَ التِّسْعَ عَشْرَةَ، وَ مِعْشَارُ الشَّيْ عَشْرَةٌ، قال تعالی: «وَ مَا بَلَّغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ» وَ نَاقَةٌ عُشْرَاءُ مَرَّتْ مِنْ حَمْلِهَا عَشْرَةَ اَشْهُرٍ وَ جَمَعُهَا عِشَارٌ، قال تعالی: «وَ اِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ» وَ جَاءُوا عِشَارِي عَشْرَةَ عَشْرَةَ وَ الْعِشَارِي مَا طَوْلُهُ عَشْرَةَ اَذْرُعٍ، وَ الْعِشْرُ فِي الْاِظْمَاءِ وَ اِبْلٌ عَوَاشِرٌ وَ قَدَحٌ اَعْشَارٌ مُنْكَسِرٌ وَ اَصْلُهُ اَنْ يَكُونَ عَلِي عَشْرَةَ اَقْطَاعٍ وَ عَنْهُ اسْتَعْبِرَ قَوْلُ الشَّاعِرِ: بِسَهْمِيكَ فِي اَعْشَارِ قَلْبِي مُقْتَلٍ. وَ الْعُشُورُ فِي الْمَصَاحِفِ عَلَامَةُ الْعِشْرِ الْاَيَاتِ...»

۶۲ - در تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده نگارش حضرت حاج ملا سلطان محمد گنابادی، زکات به معنی بخشش مازاد مال و پاکیزه کردن بقیه آن معنی شده است. جلد ۱، ص ۴۵۱، ترجمه محمد رضاخانی و حشمت‌الله ریاضی. آیات زیر در همین معانی در مورد زکات و تأکید بر پرداخت آن است:

سوره بقره، آیه ۴۳: وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ (و به پا دارید نماز را و بدهید زکات را و بار کوع کنندگان رکوع کنید).
سوره بقره، آیه ۸۳: وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ (ما با بنی اسرائیل پیمان بستیم: جز خدا را نپرستید. به والدین خود و به خویشاوندان، یتیمان و تهیدستان احسان کنند و به مردم خوش بگویند. نماز را به پا دارند و زکات دهند. اما جز معدودی از شما، بقیه روی گرداندند و مخالفت کردند).

سوره بقره، آیه ۱۱۰: وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (نماز را به پا دارید و زکات دهید. هر کار نیکی که از پیش برای نفس خویش بفرستید، آن را نزد خدا خواهید یافت. خدا به آنچه می‌کنید، بیناست).

سوره بقره، آیه ۱۷۷: لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ آتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْمُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (نیکی آن نیست که روی خود را به سوی شرق یا غرب بگردانید، بلکه نیکوکار کسی است که به خدا، روز آخر، فرشتگان، کتاب و پیامبران ایمان دارد و مال خود را با رغبت به خویشاوندان، یتیمان، مساکین،

راه‌ماندگان، فقیران و نیازمندان و برای آزاد کردن بردگان انفاق می‌کند؛ و نماز را به پا می‌دارد و زکات می‌پردازد؛ و هرگاه قوی دهند، به قول خود وفا می‌کند و در برابر آزارها و سختی‌ها صبورانه استقامت می‌کنند. اینان راستگویانند و اینان پرهیزکارانند.

سوره بقره، آیه ۲۷۷: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ هُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (همانا کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح کردند و نماز به پا دارند و زکات دهند، پاداش آنان نزد پروردگارشانست نه از چیزی می‌ترسند و نه اندوهگین می‌شوند).

سوره نساء، آیه ۷۷: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كُتِبَ عَلَيْنَا الْقِتَالُ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا (آیا توجه کرده‌ای که به آنان گفته شد: "لازم نیست بجنگید؛ کافی است نماز بخوانید و زکات بدهید." سپس، چون جنگ بر آنان مقرر شد، چنان از مردم ترسیدند که از خدا ترسیدند، یا حتی بیشتر؟ و گفتند: "پروردگار ما، چرا این جنگ را بر ما تحمیل کردی؟ ای کاش مدتی ما را مهلت دهی!" بگو: "مادیات این دنیا پوچ است، در حالی که آخرت برای پرهیزکاران بسیار بهتر است و شما هرگز از کوچک‌ترین بی‌عدالتی رنج نخواهید برد).

سوره نساء، آیه ۱۶۲: لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَٰئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا (و اما از فرو رفتگان در علم و مؤمنان، به آنچه بر تو نازل شد و به آنچه پیش از تو نازل شد، ایمان دارند. آنها از نمازگزاران و زکات دهندگانند و به خدا و روز آخر ایمان دارند. ما به زودی به اینان پاداشی بزرگ عطا می‌کنیم).

سوره مائده، آیه ۱۲: وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (خدا از فرزندان اسرائیل پیمانی گرفت و ما دوازده تن از ایشان را به عنوان سران قوم برگزیدیم. و خدا گفت: من با شما هستم، تا زمانی که نماز بر پا دارید و زکات دهید و به رسولانم ایمان آورید و آنان را عزیز دارید و به خدا قرض دهید قرضی نیک. سپس من گناهانمان را از شما خواهم پوشید و شما را در باغ‌هایی که نه‌های روان در آن جاری است داخل خواهم کرد. هر کس پس از این کافر شود، بی‌گمان از راه راست منحرف شده است).

سوره مائده، آیه ۵۵: إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (یاران حقیقی شما، خدا و رسولش هستند و کسانی که ایمان آوردند نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و به رکوع می‌روند).

سوره اعراف، آیه ۱۵۶: وَاتَّقُوا لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُنَا إِلَيْكَ قَالَ عِدَايَ أُصِيبُ بِهِ مِنْ أَمْرٍ وَرَحْمِي وَسَعَتْ كُلُّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ (و برای ما در این دنیا و در آخرت نیکی ثبت فرما. همانا به تو ایمان آوردیم. گفت: عذاب من به هر که بخواهم می‌رسد، و رحمت من همه چیز را در بر می‌گیرد. پس، آن را بر کسانی مقرر داریم که پرهیزکنند و زکات دهند، و کسانی که به آیات ما ایمان آورند)

سوره توبه، آیه ۵: فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْضُرُوهُمْ وَأَفْعِدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (هنگامی که ماه‌های حرام سپری شد، هرگاه مشرکان را بیابید آنها را بکشید و دستگیرشان کنید و تنگ بگیرید بر ایشان و در هر کمینگاهی مترصدشان باشید پس اگر توبه کردند و نماز به پا داشتند و زکات دادند، راهشان را باز گذارید برونند همانا خدا عفوکننده، مهربان است).

سوره توبه، آیه ۱۱: فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَاخُونَكُمُ فِي الدِّينِ وَنُقِصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (پس اگر توبه کنند و نماز به پا دارند و زکات دهند، برادران دینی شما هستند و ما آیات را برای مردمی که می‌دانند، توضیح می‌دهیم).

سوره توبه، آیه ۱۸: إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (همانا نیست جز اینکه فقط کسانی می‌توانند مسجد خدا را عمارت کنند که به خدا و روز آخر ایمان دارند و نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و از غیر خدا نمی‌ترسند. که اینان از هدایت یافتگانند).

سوره توبه، آیه ۷۱: وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (مردان و زنان مؤمن برخی یاران یکدیگرند. آنها را به معروف امر و از پلیدی نهی می‌کنند. نماز به پا

می‌دارند و زکات می‌دهند و از خدا و رسولش اطاعت می‌کنند. زود است خدا بر ایشان رحمت کند که خداست عزیز حکیم).
سوره کهف، آیه ۸۱: فَارْزُقْنَا أَنْ يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا (خواستیم که پروردگارشان جایگزین کند برای آنها بهتری از آن، پاک و نزدیکترین رحما).

سوره مریم، آیه ۱۳: وَخَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا (و از نزد خود پاکی هبه کردیم، و او پرهیزکاری بود).
سوره مریم، آیه ۳۱: وَجَعَلْنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصِنِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا (هر جا که روم، مرا مبارک گردانیده و تا زمانی که زنده هستم به نماز و زکات سفارش کرده است).

سوره مریم، آیه ۵۵: وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا (به خانواده‌اش سفارش نماز و زکات می‌کرد و او نزد پروردگارش پسندیده بود).

سوره انبیا، آیه ۷۳: وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ (ما آنها را امامان قرار دادیم تا بر امر ما هدایت کنند و به آنها انجام خوبی و به پا داشتن نماز و داده زکات را وحی کردیم و برای ما عبادت کنندگان).

سوره حج، آیه ۴۱: الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (کسانی هستند که اگر آنان را در زمین مکت می‌دادیم، نماز به پا می‌داشتند و زکات می‌دادند و به معروف امر و از پلیدی منع می‌نمودند و فرجام کارها بر خداست).

سوره حج، آیه ۷۸: وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ (و در خدا آنچه‌ای که باید، کوشش کنید. او شما را برگزید و در تکالیف دینتان از سختی دین پدرتان ابراهیم برای شما قرار نداد. اوست که از قبل و در این شما را مسلمان نامید. تا رسول شاهدهی باشد بر شما و شما شاهدهی باشید بر مردم. پس، نماز بر پا دارید و زکات دهید و به خدا متوسل شوید. اوست مولای شما، بهترین مولا و بهترین یاور).

سوره مؤمنون، آیه ۴: وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ (و آنانند که زکات می‌دهند).
سوره نور، آیه ۳۷: رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ (مردانی که نه تجارت و نه معامله آنها را از یاد خدا غافل نمی‌کند؛ آنها نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و از روزی که دل‌ها و دیده‌ها می‌گردد آگاه هستند).

سوره نور، آیه ۵۶: وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (نماز به پا دارید و زکات دهید و از رسول اطاعت کنید، شاید که بر شما رحم شود).

سوره نمل، آیه ۳ و سوره لقمان، آیه ۴: الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (کسانی که نماز به پا دارند و زکات می‌دهند و به آخرت یقین دارند).

سوره روم، آیه ۳۹: وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَاٍ لِيَرْبُتُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ (و آنچه از ربا بدست آرید تا به ثروت مردم بیفزاید، نزد خدا چیزی نمی‌افزاید و آنچه از زکات آرید برای آنکه روی خدا را بخواهید پس آنانند افزونی گیرندگان).

سوره احزاب، آیه ۳۳: وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْمُجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (در خانه‌های خود بمانید و مانند خودنمائی جاهلیت نخستین خودنمائی نکنید، و نماز به پا دارید و زکات دهید و خدا و رسولش را اطاعت کنید. جز این نیست که خدا خواهد از شما ای اهل خانه پلیدی را ببرد و پاک سازد شما را پاک کردنی).

سوره فصلت، آیه ۷: الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (کسانی که زکات نمی‌دهند به آخرت ایمان ندارند).

سوره مجادله، آیه ۱۳: أَشَفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نُجُوحِكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (اگر پیش از مشورت صدقه ندادید و توبه کرد خدا برای شما پس نماز به پا دارید و زکات دهید و خدا و رسولش را اطاعت کنید و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است).

این آیه در این سوره می‌تواند جمله مستأنفی تلقی شود که عطف به معنی آیات قبل و بعد دارد و می‌تواند جواب سؤال مقدری باشد. می‌تواند حال از کلماتی در آیات قبل باشد (الَّذِينَ). یا تفسیر کننده جمله سابق خود یا حالی باشد (یعنی در حالی که عشریه نمی‌دهند) یا مفسره باشد (آنان که عشریه نمی‌دهند کسانی هستند که پیامبران را تکذیب می‌نمایند) یا مفعولیه باشد یعنی مفهوم تکذیب در آیه قبل را با کسانی که عشریه ندهند وارد می‌کنیم یعنی تکذیب کنندگان عشریه نمی‌دهند یا مستأنفه باشد یعنی کلاً آنان که پیامبران را تکذیب می‌کنند عشریه نمی‌دهند. این فروض دور از واقع نیست و استحکام معانی در روح این سوره موضوع را القاء می‌نماید. برای روشن شدن موضوع قطعاتی از آیات قبل از این آیه را پشت سرهم قرار می‌دهیم و برخی از قسمت‌های آیات که محتوای آنان شبه جمله‌های معترضه در متن آیات است را ذکر نمی‌کنیم و جملات معترضه‌ای در بین این قطعات قرار می‌دهیم. توجه کنید:

«شفاعت نزد او مگر درباره کسی که او خود اجازت دهد (یعنی تو ای پیامبر) سود نکند ... (ای پیامبر) بگو چه کسی از آسمانها و زمین روزی شما را می‌دهد؟ ... (و ما) تو را نفرستادیم مگر بر همه مردم مژده‌دهنده و بیم‌دهنده باشی ... و ما هر بیم‌دهنده‌ای را به قریه‌ای فرستادیم، توانگران عیاشش به او کافر شدند و گفتند اموال و اولاد ما از همه بیشتر است ... (ای پیامبر) بگو پروردگار من است که روزی هر کس را که بخواهد فراوان می‌کند و بر هر که بخواهد تنگ می‌گیرد ... (و) اموال و اولادتان چیزی نیست که شما را به ما نزدیک سازد مگر آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند ... و کسانی که به عاجز کردن آیات ما (یعنی تو ای پیامبر) سعی می‌کنند در عذاب قرار گیرند. (آنان به گمان اشتباه بر این باورند که اموال و دارائی آنها از آن آنهاست) (ای پیامبر به آنها) بگو پروردگار من است که روزی هر کس از بندگانش را که بخواهد فراوان می‌کند یا او را به تنگی می‌افکنند و اگر چیزی انفاق کنید عوضش را خواهد داد و او بهترین روزی دهندگان است ... چون آیات روشن ما بر آنان خوانده شد گفتند: جز این نیست که این مردی است که می‌خواهد شما را از آنچه پدرانتان می‌پرستیدند باز دارد ... و کسانی که پیش از آنها بودند (نیز) پیامبران را تکذیب کردند و اینان (نیز همانند باقی کسانی که پیامبران را قبول نکردند) ده یک (یا عشریه یا معشار) آن چیزی را (از روزی) که به آنها داده بودیم نرسانند (و کمتر از عشر پرداخت آنها به عشر بالغ نشد). با این حال پیامبران مرا تکذیب کردند ... (ای پیامبر برای اینکه گمان نکنند که این انفاقات را برای خود می‌خواهی) بگو من از شما دستمزدی نمی‌خواهم (و اگر خواستم) از آن خودتان باد. مزد من تنها بر عهده خداست و او بر همه چیز ناظر است.»^{۶۳}

سوره مزمل، آیه ۲۰: إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنُصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقْتُلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَقَرِّضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تَقْدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (همانا پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از کسانی که با تو داری از دوسوم شب، یا نیمی از آن، یا یک سوم آن برمی‌خیزی. و خداست اندازه دهنده شب و روز و او می‌داند داند که نمی‌توانید همیشه این کار را انجام دهید. پس او بر شما توبه کرده است. پس از قرآن بخوانید هر قدر که می‌توانید. داند که بعضی از شما بیمار باشند و بعضی در پی فضل خدا بر زمین سفر کنند و برخی در راه خدا پیکار کنند پس هر قدر که می‌توانید از آن بخوانید و نماز به پا دارید و زکات دهید و به خدا قرضی حسنه قرض دهید. و آنچه از خوبی برای خود از پیش فرستید، پاداش آن را نزد خدا بهتر و بزرگتر بیابید و از خدا طلب بخشش کنید. خداست عفوکننده مهربان).

سوره بینه، آیه ۵: وَ مَا أُمُورُ إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ (و به پاک دارندگان دین برای او امر نکردیم مگر این که خدا را به یکتائی بندگی کنند، نماز به پا دارند و زکات دهند و این است دین استوار).

۶۳ - سوره سبا: «وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ (۲۳) ... قُلْ مَنْ يَرْفُقُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (۲۴) ... وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ

در تفاسیر قدیمی و اخیر نیز واژه عشر بسیار استعمال شده است و در روایات نیز کلمه معشار مکرر استعمال شده است. مفهوم مورد نظر در روایات نیز حاصل معنی ده یک یا عشریه است.^{۶۴} در همین باب، علامه طباطبایی نیز در بحث روائی در شرح آیه ۱۴۱ سوره انعام از حضرت صادق ع نقل می‌نماید^{۶۵} که فرمود: «در زراعت دو حق است: حقی است گرفتنی و حقی است دادنی، عرض کردم گرفتنی آن کدام است و دادنیش کدام؟ فرمود حقی که از زراعت به حکم اجبار می‌گیرند همان عشر و نصف عشر است و اما آن حقی که انسان خودش به طیب خاطر خود می‌دهد همان حقی است که آیه «وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» متعرض آن است.»

در متون ادبی - تاریخی اسلامی - ایرانی نیز اشارات متعددی به عشر شده است.^{۶۶} در کتب نویسندگان قرون اخیر نظیر ژان ژاک رسو^{۶۷} فرانسیس بیکن^{۶۸} گوته^{۶۹} شکسپیر^{۷۰} اسکار وایلد^{۷۱} چارلز دیکنز^{۷۲} ژول ورن^{۷۳} توماس هابز^{۷۴} هرمن

بَشِيرًا وَ نَذِيرًا (۲۸) ... وَ مَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أَرْسَلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۳۴) وَ قَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَ أَوْلَادًا (۳۵) ... قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ (۳۶) ... وَ مَا أَمْوَالُكُمْ وَ لَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُفَرِّقُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا (۳۷) ... وَ الَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ (۳۸) قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَهُ وَ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ (۳۹) ... وَ إِذَا تَنَبَّأْتُمْ بِبَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَبْذُوكُمْ عَمَّا كَانُ يَعْبُدُ آبَاءَكُمْ (۴۳) ... وَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ مَا بَلَغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي (۴۵) ... قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ».

^{۶۴} - برای توضیح بیشتر در این زمینه نگاه کنید به: بیدآباد، بیژن، عشریه در مالیه اسلامی،

<http://www.bidabad.ir/doc/malyat-oshr.pdf>

^{۶۵} - طباطبائی، محمد حسین (۱۳۶۳)، ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۷، صص ۵۶۲-۵۶۱. ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء و مؤسسه انتشارات امیر کبیر.

^{۶۶} - برای توضیح بیشتر در این زمینه نگاه کنید به: بیدآباد، بیژن، عشریه در مالیه اسلامی،

<http://www.bidabad.ir/doc/malyat-oshr.pdf>

^{۶۷} - Jean-Jacques Rousseau, (1770), The confessions of Jean-Jacques Rousseau, translated by W. Conyngham Mallory, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc., Rousseau, Jean Jacques (1712-1778) - A French philosopher and author often referred to as the father of French romanticism. Some of Rousseau's greatest contributions to philosophy were his thoughts on individualism and rebellion against the established political order. Confessions (1766-1770) - An autobiography which openly and honestly reveals many of the details of Rousseau's erratic and rebellious life.

^{۶۸} - Francis Bacon, (1601) The essays, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc., Bacon, Francis (1561-1626) - English philosopher and essayist who served as Attorney General and Lord Chancellor under King James I. Essays (1601) Considered some of the best works in English literature, Bacon's essays are concise original expressions of wisdom that deal with philosophical and religious matters.

^{۶۹} - Johann Wolfgang von Goethe (1808) Faust, translated by George Madison Priest, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc. Goethe, Johann Wolfgang Von (1749-1832) - German poet, writer, and playwright who was a dominant influence in German literature. His primary focus was on the natural evolution of things rather than abstract theories. Faust (1808) A play about the legend of Faust who promises his soul to the destructive spirit Mephistopheles in order to fulfill his desire of encountering life through experiences rather than through the study of philosophy.

^{۷۰} - William Shakespeare, (1601), The first part of king Henry the fourth.

William Shakespeare, (1959), The tragedy of Hamlet, prince of Denmark.

William Shakespeare, (1602), King John.

William Shakespeare, (1602), The history of Troilus and Cressida.

Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc., Shakespeare, William (1564-1616) - English dramatist and poet widely regarded as the greatest and most influential writer in all of world literature. The richness of Shakespeare's genius transcends time; his keen observation and psychological insight are, to this day, without rival.

^{۷۱} - Oscar Wilde (1881), Flowers of gold, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc., Wilde, Oscar (1854-1900) - An Irish-born English poet, novelist, and playwright. Considered an eccentric, he was the leader of the aesthetic movement that advocated "art for art's sake".

^{۷۲} - Charles Dickens (1861), Great expectations, Electronically Enhanced Text, 1993 World Library, Inc., Dickens, Charles (1812-1870) - The most popular and perhaps greatest English novelist and short-story writer, he drew on his experiences as a poor child to produce extremely realistic stories. Great Expectations (1861) - Follows the life of Philip Pirrip (called Pip) as he pursues his "Great Expectations" with money provided by an unknown benefactor.

^{۷۳} - Jules Verne (1864), A journey to the center of the earth, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc., Verne, Jules (1828-1905) - French novelist known as "the man who invented the future." He created a unique blend of science and adventure in his very popular and scientifically prophetic stories. A precursor of modern science fiction, he influenced the work of H.G. Wells, among others.

ملوایل^{۷۵} آلن پوئه^{۷۶} جرج الیوت^{۷۷} مارک تواین^{۷۸} و در مقالات فدرالیست^{۷۹} و در کتاب معروف ثروت ملل نوشته آدام اسمیت^{۸۰} از عشریه نام برده شده است.

مالیات بر ارزش افزوده

پس از جنگ جهانی دوم بسیاری از کشورها در صدد اصلاح ساختار مالیاتی خود برآمدند و در این میان مالیات بر ارزش افزوده به عنوان یک روش جدید مطرح و به لحاظ ویژگی‌های منعطف آن مورد توجه قرار گرفت. تحول در ساختار مالیاتی در جهت تطبیق و هماهنگی نمودن نظام مالیاتی با توسعه و رشد اقتصادی، اجتناب از مسائل و مشکلات اجرایی در تعدد مالیات‌ها و نرخ‌های مالیاتی و مالیات مضاعف در سیستم‌های مالیاتی سنتی، تداوم وصول درآمدهای مالیاتی و ثبات درآمدی دولت، تطابق بیشتر نظام مالیات بر ارزش افزوده با فرآیندهای محاسباتی مکانیزه یکپارچه، ایجاد سیستم مالیاتی متناسب با پیمان‌های منطقه‌ای و اتحادیه‌های اقتصادی و بسیاری از موارد دیگر موجب ترغیب استفاده از این نظام مالیاتی در کشورهای مختلف بوده است.

مالیات بر ارزش افزوده نوعی مالیات بر فروش چند مرحله‌ای است که خرید کالاها و خدمات واسطه‌ای را از

⁷⁴ - Thomas Hobbes (1651), *Leviathan*, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc., Hobbes, Thomas (1588-1679) - An English philosopher who is sometimes called the father of materialism. Hobbes believed that all knowledge comes by way of the senses. *Leviathan* (1651) - A treatise on the origin and ends of government that contains Hobbes famous theory of the sovereign state. *Leviathan* has been referred to as the greatest masterpiece of English political philosophy.

⁷⁵ - Herman Melville (1851), *Moby Dick; or the whale*, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc., Melville, Herman (1819-1891) - An American author who used his experiences at sea as the basis for his writings. Melville received little literary attention during his career, and it was not until thirty years after his death that he began to be recognized as one of America's greatest writers. *Moby Dick* (1851) - Perhaps the most renowned American novel, this classic of the whaling era tells the story of Captain Ahab and his crew's hunt for the mighty whale, *Moby Dick*. It is a philosophical study of good and evil.

⁷⁶ - Edgar Allan Poe (1837), *The narrative of Arthur Gordon Pym of Nantucket*, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc., Poe, Edgar Allan (1809-49) - American poet, short-story writer, and critic who is best known for his tales of ratiocination, his fantastical horror stories, and his genre-founding detective stories. Poe, whose cloudy personal life is a virtual legend, considered himself primarily a poet. *Narrative of Arthur Gordon Pym of Nantucket* (1837) - A novella that tells of the adventures of Mr. A. Gordon Pym, a stowaway on a whaler. This story is based on the actual travels of J. N. Reynolds, whose book Poe reviewed.

⁷⁷ - George Eliot (1861), *Silas Marner*, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc., Eliot, George (pen name of Mary Ann Evans 1819-1880) - An English novelist known as one of the greatest Victorian writers. She adopted the pseudonym George Eliot in order to secure greater popularity. *Silas Marner* (1861) - A handloom weaver is wrongly accused of stealing and, as a result, his life becomes extremely difficult. *Silas Marner* is a study of human relations.

⁷⁸ - Mark Twain (1869), *The innocents abroad*, Electronically Enhanced Text, 1993 World Library, Inc., Twain, Mark (pen name of Samuel Clemens) (1835-1910) - American humorist whose pseudonym was adopted from his days as a Mississippi steamboat pilot, "mark twain" meaning "two fathoms deep." He introduced colloquial speech into American writing and was the most popular writer of his time. *The Innocents Abroad, or, The New Pilgrim's Progress* (1869) - The most famous travel book of its era, based on a series of letters Twain wrote to newspapers in the U.S. while travelling to Europe aboard the "Quaker City."

Under King Otho the revenues of the state were five millions of dollars- raised from a tax of one-tenth of all the agricultural products of the land (which tenth the farmer had to bring to the royal granaries on packmules any distance not exceeding six leagues) and from extravagant taxes on trade and commerce.

⁷⁹ - Alexander Hamilton, James Madison, and John Jay (1788), *The federalist papers*, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc., *Historical Document Federalist Papers* (1788) - A series of articles written by Alexander Hamilton, James Madison, and John Jay defending the Constitution of the United States in an attempt to convince the states to ratify it., the federalist no. 34.

⁸⁰ - Adam Smith (1776), *An inquiry into the nature and causes of the wealth of nations*, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc., Smith, Adam (1723-1790) - A Scottish economist and philosopher who is commonly associated with his laissez-faire economic philosophy. *Wealth of Nations* (1776) - Smith's most influential work outlines his concept of a self-interest based, absolutely free, laissez-faire economy that he believed would result in the best economic conditions for mankind.

But the silver mines of Peru are not now able to pay even this low rent, and the tax upon silver was, in 1736, reduced from one-fifth to one-tenth. Even this tax upon silver, too, gives more temptation to smuggling than the tax of one-twentieth upon tin; and smuggling must be much easier in the precious than in the bulky commodity.

پرداخت مالیات معاف می‌سازد. به عبارت دیگر، مالیات بر ارزش افزوده نوعی مالیات بر قیمت فروش است که در اصل بار مالیاتی آن بر دوش مصرف‌کنندگان نهایی بوده و این مالیات بر اساس درصدی از ارزش افزوده در هر مرحله‌ای از تولید اخذ می‌شود.

ارزش افزوده در یک بنگاه برابر تفاوت بین فروش بنگاه و هزینه‌های خرید کالاها و خدمات خریداری شده از بنگاه‌های دیگر است. به عبارت دیگر، ارزش افزوده ارزشی است که تولیدکننده قبل از این که کالا یا خدمت جدید تولید شده را به فروش برساند به موادخام و عوامل تولید دیگری که خریده است (غیر از نیروی کار) اضافه می‌کند. از دیدگاه دیگر حاصل جمع ارزش افزوده تمام بنگاه‌های اقتصادی در واقع همان تولید ملی است. زیرا کل معاملات منهای معاملات واسطه‌ای (خرید بنگاه‌ها از بنگاه‌های دیگر) برابر با مجموع دستمزد، نرخ بهره، اجاره و سایر پرداخت‌ها به عوامل تولید در سطح ملی بوده و مساوی تولید ملی است. لذا، مالیات بر ارزش افزوده برابر مالیات بر تولید ملی است و پایه مالیاتی برابر کل درآمد حاصل از فروش منهای هزینه خرید عوامل تولید (ورودی‌ها) از سایر بنگاه‌هاست.

اعمال مالیات بر ارزش افزوده نیازمند فهرست کردن کل صورت حساب‌ها در بنگاه است. زیرا هر بنگاه برای دریافت اعتبار مالیاتی باید قادر باشد که شرح مالیات پرداخت شده توسط فروشنده قبلی را ارائه دهد. این نیاز خریدار را تشویق می‌کند که به فروشنده قبلی برای پرداخت مالیات فشار آورد.

ارزش افزوده برابر با ارزش کالای تولید شده یا خدمات (خروجی‌ها) منهای حاصل جمع ارزش عوامل تولید (یا ورودی‌ها مثل مواد خام، انرژی، وسائط نقلیه و...) بکار برده شده در هر مرحله از تولید است. بنابراین، ارزش افزوده می‌تواند از دو دیدگاه تجمعی^{۸۱} (یعنی حاصل جمع دستمزد، بهره، اجاره و سود) و تفریقی^{۸۲} (خروجی^{۸۳} منهای ورودی^{۸۴}) حاصل گردد. بر اساس دیدگاه‌های تجمعی و تفریقی چهار روش مختلف برای محاسبه مالیات بر ارزش افزوده وجود دارد که هر کدام محاسن و مشکلات خاص خود را دارند.^{۸۵} از دیدگاه قانونی و تکنیکی و نیز از لحاظ سادگی انجام عمل محاسبه برخی از این روش‌ها نسبت به سایر شیوه‌ها کاراتر هستند. منعکس شدن میزان مالیات در صورت حساب‌های فروش و محاسبه و اعمال آن در هر بار معامله است. از سوئی بنگاه برای کسب اعتبار مالیاتی نیازمند نگهداری کلیه صورت حساب‌ها و مدارک معاملات است، لذا یک سیستم اطلاعاتی جامع برای حسابرسی ایجاد می‌شود و انجام عمل کنترل و حسابرسی^{۸۶} را برای دستگاه مالیاتی میسر می‌سازد. همچنین مکانیزم‌های ضد فرار مالیاتی وجود دارد^{۸۷} بدین معنی که اگر بنگاهی در یک مرحله از زنجیره تولید مالیات نپردازد، بدهی مالیاتی این بنگاه در مرحله بعدی تولید باید پرداخت شود و به فروشنده مرحله بعد منتقل می‌شود. بنابراین، هر خریدار کالایی را می‌خرد که مالیاتش قبلاً پرداخت شده باشد تا بتواند اعتباری از بابت کاهش مالیات کسب کند.

وسعت دامنه و پایه مالیاتی مالیات بر ارزش افزوده، توزیع درآمد و کارایی بیشتر اقتصادی، نرخ مالیاتی کمتر و کاراتر منجر به انگیزه تولید بیشتر و جلوگیری از فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی، کاهش فرصت‌های فرار مالیاتی شرایط

⁸¹ Additive

⁸² Subtractive

⁸³ Output

⁸⁴ Input

⁸⁵ A.A Tait, Value Added Tax, International Practice, And. Problems, IMF, Washington Dc, 1988; P. 219.

⁸⁶ Audit Trial

^{۸۷} برای اطلاع بیشتر در مورد جزئیات رجوع شود به:

R. W. Lindholm, The Value Added Tax, A Short Review of the Literature, *Journal of Economic Literature*, December 1970

سهلتری را برای مردم و دولت ایجاد می‌کند. از سوی دیگر مالیات‌های سنتی بر درآمد و فروش با مقاوت مردم روبه رو می‌شود و در مقابل، پایه وسیع و نرخ نسبتاً کمتر مالیات بر ارزش افزوده واکنش کمتر مردم را برمی‌انگیزد و قابلیت فهم آن نیز برای عموم آسان‌تر است.

مالیات بر ارزش افزوده نه تنها درآمد دولت را افزایش می‌دهد، بلکه به آن ثبات می‌بخشد زیرا چون مصرف بخش با ثباتی از تولید ناخالص داخلی است و کمتر دچار نوسان می‌شود، لذا اعمال مالیات بر ارزش افزوده نوعی درآمد ثابت را برای دولت تأمین می‌کند. از سوی دیگر مالیات بر ارزش افزوده بر پایه جاری اعمال می‌شود و هر تغییر در نرخ آن فوراً به افزایش یا کاهش درآمد می‌انجامد، لذا ابزار مالیاتی قابل انعطافی است که دولت می‌تواند هنگام اعمال سیاست‌های تثبیت اقتصادی به خوبی از آن استفاده کند.

رفع نارسایی سایر مالیات‌ها

برخی از ناکارایی‌های سایر سیستم‌های مالیاتی در مالیات بر ارزش افزوده صادق نیست، لذا در دهه‌های اخیر امکان جانشینی مالیات بر ارزش افزوده به جای مالیات بر فروش، مالیات غیرمستقیم، مالیات بر سود شرکت‌ها، مالیات بر حقوق و ... مد نظر قرار گرفته است. مالیات بر ارزش افزوده به عنوان جانشین خوبی برای مالیات بر فروش^{۸۸} است. در مالیات فروش چند مرحله‌ای امکان ادغام عمودی بنگاه‌ها و ایجاد تراست و کارتل به منظور اجتناب از پرداخت مالیات خرید و فروش کالاهای واسطه‌ای وجود دارد.^{۸۹} گسترش ادغام عمودی بنگاه‌ها از یکسو باعث افزایش قدرت انحصاری بنگاه‌ها در رابطه با تعیین و افزایش قیمت می‌شود و از سوی دیگر فرصت‌های فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات را بیشتر می‌سازد.

در مالیات بر فروش چند مرحله‌ای، به دلیل اینکه در یک نرخ مشخص درآمد بیشتری ایجاد می‌شود، لذا تغییر آن به مالیات یک مرحله‌ای امری دشوار خواهد بود. این دشواری از آنجا ناشی می‌شود که مالیات یک مرحله‌ای برای ایجاد همان مقدار درآمد به نرخ مالیاتی بالاتری نیاز دارد و افزایش نرخ مالیات از لحاظ سیاسی و اجرایی مشکلات خاص خود را دارد و از سوی دیگر امکان بروز خطاهای مالیاتی را بیشتر می‌سازد. با جایگزین شدن مالیات بر ارزش افزوده به جای مالیات بر فروش، در عین این که افزایش نرخ را منجر نمی‌شود بلکه از تمرکز و فشار مالیاتی بر یک مرحله تولید یا توزیع نیز جلوگیری می‌نماید. از طرفی اجرای مالیات بر فروش یک مرحله‌ای نیازمند تشخیص مراحل قابل اعمال مالیات و مراحل غیرقابل مالیات و نیز شناسایی نوع بنگاه‌ها است. با توجه به ضعف اجرایی کشورهای در حال توسعه، این موضوع به راحتی امکان پذیر نیست. مالیات مضاعف چند مرحله‌ای به هنگام انتقال محصول از یک سطح تولید و توزیع به سطح دیگر (مثلاً از سطح تولیدکننده به سطح عمده فروش و از سطح عمده فروش به سطح خرده فروش) بروز می‌کند. بدین ترتیب در هر مرحله، مالیاتی بر کالا اعمال می‌شود و به عبارتی، مالیات بر مالیات اعمال می‌شود. این چندباره مالیات گیری، که به مالیات مضاعف چند مرحله‌ای موسوم است در سیستم مالیاتی بر ارزش افزوده منتفی می‌گردد.^{۹۰} در مالیات

⁸⁸ Sales Tax

^{۸۹} مالیات بر کل فروش (Turn Over Tax) نیز ادغام عمودی را تشویق و به نفع بنگاه‌های بزرگ عمل می‌کند. همچنین تبعیضی به زیان واحدهای کوچک تولیدی ایجاد می‌کند. در این مالیات امکان اعمال مالیات مضاعف چند مرحله‌ای و بروز اثرات اقتصادی معکوس (Adverse economic effect) نیز وجود دارد.

⁹⁰ A.A. Tait, Ibid, PP. 9-17

بر فروش یک مرحله‌ای، به دلیل محدود بودن پایه مالیاتی برای حصول درآمد مالیاتی یکسان باید نرخ مالیات افزایش یابد و افزایش نرخ فرار مالیاتی را گسترش می‌دهد. در سیستم مالیات بر ارزش افزوده مالیات پرداخت شده توسط یک بنگاه، به خریدارن کالای آن بنگاه اعلام می‌شود، زیرا بنگاه خریدار مایل به کسب اعتبار مالیاتی و بستانکار کردن آن مقدار، از کل بدهی مالیاتی خود است. لذا اگر بنگاهی مالیات مربوط به خود را نپردازد، این مالیات در زنجیره تولید و توزیع به خریدار بعدی منتقل می‌شود. به عبارت دیگر، عدم پرداخت مالیات توسط فروشنده، پای خریدار کالای او منظور می‌شود، لذا چون منفعت یک طرف زیان طرف دیگر را موجب می‌شود و بنگاه‌ها نیز از احتمال بروز این خسارت آگاهی دارند، به همین دلیل خریدار تمایلی به خرید کالایی که مالیات آن پرداخت نشده است، را ندارد. لذا سیستم به صورت خودکار کنترل متقابلی در مقابل فرار مالیاتی ایجاد می‌کند. لذا مالیات بر ارزش افزوده از تمرکز فشار مالیاتی مالیات بر فروش بر یک مرحله تولید و همچنین افزایش نرخ مالیات برای حصول درآمد یکسان جلوگیری می‌کند.

مالیات بر ارزش افزوده جانشین خوبی برای مالیات بر خرده فروشی است. برخی کشورها به منظور مقابله با پیچیدگی‌های اجرایی مالیات بر خرده فروشی را انتخاب کرده‌اند. اما نقاط ضعف مالیات بر خرده فروشی موجب شده که بتدریج به سمت مالیات بر ارزش افزوده حرکت کنند. این مشکلات ناشی از این است که مالیات یک مرحله‌ای خرده فروشی^{۹۱} در نرخ‌های پایتتر کارا است، ولی با افزایش نرخ مالیات مشکلات اجرایی و جمع‌آوری مالیات به دلیل ایجاد انگیزه فرار مالیاتی فزونی می‌یابد.^{۹۲} از طرفی در مالیات بر خرده فروشی به علت پایه کوچکتر مالیات، برای حصول درآمد یکسان نسبت به مالیات بر ارزش افزوده، باید نرخ مالیات افزایش یابد. با افزایش نرخ مالیات فشار بیشتری به ضعیف‌ترین قشر توزیع یعنی خرده فروش وارد می‌شود. در مالیات بر خرده فروشی انجام عمل ممیزی و فاکتور کردن (بخصوص در مورد خدمات) نسبت به مالیات بر ارزش افزوده، ضعیفتر است. از سوی دیگر مالیات بر خرده فروشی نیازمند تفکیک ورودی‌ها و خروجی‌های بنگاه‌ها است، و این تفکیک از لحاظ اجرایی مشکل‌زا است. در مالیات بر خرده فروشی تفکیک و تشخیص دقیق کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی میسر نیست و اعمال مالیات بر کالاهای سرمایه‌ای می‌تواند موجب کاهش سرعت رشد اقتصادی شود. در حالی که در مالیات بر ارزش افزوده حذف کالاهای سرمایه‌ای از پرداخت مالیات راحت‌تر و کارا تر است. در مالیات بر ارزش افزوده به علت اینکه پرداخت کننده مالیات برای کسب اعتبار مالیاتی باید صورتحساب‌های خود را کامل نگه دارد، بنابر این، قسمتی از کار اجرایی مالیاتی به پرداخت کننده محول می‌شود، در حالی که این مزیت در مالیات بر خرده فروشی نیست. بروز مالیات مضاعف چند مرحله‌ای در مالیات بر خرده فروشی امری معمول است، در حالی که در روش اعتبار مالیاتی مالیات بر ارزش افزوده به دلیل نیاز به جداسازی مالیات از قیمت فروش در هر مرحله، امکان وقوع مالیات مضاعف چند مرحله‌ای کم خواهد شد. سیستم خودکار کنترل متقابل موجود در مالیات بر ارزش افزوده مزیت دیگری است که در مالیات بر خرده فروشی نیست. لذا مالیات بر ارزش افزوده که به سطح خرده فروشی تعمیم داده شود می‌تواند تمامی مزیت‌های مالیات بر خرده فروشی را ایجاد کند و از بزرگترین نقص آن یعنی فشار مالیات بر یک مرحله تولید یا توزیع نیز جلوگیری به عمل آورد.

مالیات بر ارزش افزوده جانشین خوبی برای مالیات کالاهای داخلی صنوف^{۹۳} است. مالیات غیرمستقیم (مالیات

⁹¹ Single Point Retail Tax

⁹² A. A. Tait, Ibid, P.18.

⁹³ Union Excise Tax

کالاهای داخلی)^{۹۴} همواره درصد مهمی از بودجه دولت‌ها را تأمین کرده است.^{۹۵} ولی سیستم مالیات غیرمستقیم مشکلات موجود خود را دارد. زیرا به دلیل نرخ‌های متفاوت و خاص و شمول اقلام زیاد و مالیات بر قیمت فروش آن را پیچیده کرده است. این مالیات ذاتاً به دلیل چند مرحله‌ای بودن، خصلت تجمعی را دارا است و به طور معمول مسئله بروز مالیات مضاعف چند مرحله‌ای در آن وجود دارد. حوزه مشمول مالیات غیرمستقیم عموماً محدود است و در برخی موارد نیز از منظر پرداخت مالیات سریعاً به حد اشباع می‌رسد و علاوه بر این، کشش این مالیات نسبت به درآمد ملی بسیار پایین است. این مالیات به دلیل نرخ‌های بالا و نیز شمول آن به تعداد زیاد بنگاه‌های کوچک انگیزه فرار مالیاتی را گسترش می‌دهد. هزینه اجرایی و کنترل کالاها و حسابداری و نگهداری آمار نرخ‌های چندگانه و تعدد بخشودگی‌ها و معافیت‌ها در این نوع مالیات زیاد است. لذا در صورت جایگزینی آن با مالیات بر ارزش افزوده، ضمن کاهش پیچیدگی سیستم مالیاتی غیرمستقیم و اجتناب از اثرات نامناسب مالیات مضاعف چند مرحله‌ای و کاهش مسائل اجرایی در نتیجه حذف نیاز برای کنترل فیزیکی کالاهایی که نیازمند حقوق مالیاتی خاصی هستند کشش قیمتی مالیات بطور نسبی نیز افزایش می‌یابد و کارایی سیستم مالیاتی افزایش می‌یابد.

مالیات بر ارزش افزوده همچنین جانشین مناسبی برای مالیات بر شرکت‌ها است. معافیت‌ها و امتیازات گوناگون و همچنین تعدد نرخ‌های مالیاتی برای فعالیت‌های متنوع شرکت‌ها پیچیدگی‌های زیادی را در سیستم مالیات بر شرکت‌ها ایجاد نموده است. جایگزینی مالیات بر ارزش افزوده به جای مالیات بر درآمد شرکت‌ها باعث افزایش رقابت بین صنایع و گسترش و تقویت بخش‌های مختلف اقتصادی و بهبود تراز تجاری کشور می‌گردد.^{۹۶} عدم رضایت از مالیات غیرمستقیم عملاً سبب شده تا بسیاری از کشورها مالیات بر ارزش افزوده را جایگزین مالیات‌های مستقیم خود کنند. اهم دلایل همانند موارد مذکور در فوق است.^{۹۷}

پیشنهاد اخذ مالیات عشر بر ارزش افزوده در سطح بین‌المللی

پایه مالیاتی عبارت از آن درآمد یا ثروتی است که مشمول محاسبه مالیات می‌گردد و نرخ مالیاتی مجموعه‌ای از ضرائب و روش‌های محاسبه مالیات بر پایه مالیاتی است. طبیعتاً در هر ساختار مالیاتی به هر میزان که نرخ مالیات بیشتر باشد، انگیزه فرار مالیات مودی بیشتر می‌شود. مطمئن‌ترین راه ایجاد درآمد کافی و باثبات برای دولت، آن نوع مالیاتی است که وسیع‌ترین پایه مالیاتی را با کمترین نرخ مالیاتی داشته و از سوی دیگر عدالت مالیاتی را رعایت و از مالیات مضاعف جلوگیری کند. یکسان بودن مالیات‌ها در سطح بین‌المللی باعث جلوگیری از جابجایی ثروت و عوامل تولید کار و سرمایه بین کشورها برای انتفاع از نرخ‌های مالیاتی کمتر خواهد شد. در این راستا سیستم مالیات بر ارزش افزوده می‌تواند به عنوان بهترین گزینه‌ها انتخاب گردد.

در مالیات‌های اسلامی شبهه زیادی در مورد پایه مالیاتی مشاهده می‌شود برای مثال هر مالیاتی مشمول کالاها و

⁹⁴ Excise Tax

⁹⁵ K.N. Subrahmanya; B.S.Sreekan taradhya (eds.) taxation and centre. State financial relations, chapter 13, P.111.

⁹⁶ Richard A. Musgrave in United States, Congress, 1972, pp. 131-132. Tait 1972, pp. 103-108.

⁹⁷ اکبر کمیجانی، بیژن بیدآباد، زهرا عابدی، فریبا فهیم یحیایی، محمد عیسی زاده، فریبا شیرخانی، تحلیلی بر مالیات بر ارزش افزوده و بررسی مقدماتی امکان اجرای آن در اقتصاد ایران، گزارش مرحله اول، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۱. چاپ مجدد توسط معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۴.

دارائی‌های خاص می‌شود و شاید تصاویر غیرمنصفانه‌ای از مالیات‌های اسلامی را نیز در نظر ایجاد کند. برای مثال بسیاری زکات را منحصر به غلات و دام و نقود طلا و نقره می‌نمایند که به نظر نمی‌رسد که با اصل عدالت که عقل به آن حکم کند موافق باشد. به عبارت دیگر چون عقل به آن حکم نمی‌کند علی‌القاعده شرع نیز نباید حکم کند. این حکم بر اساس صغری و کبری منطقی است که چون انحصار زکات به ۹ قلم کالای مزبور باعث بخشودگی باقی صاحبان ارباح مکاسب است که می‌توانند بسیار متمول نیز باشند نتیجتاً به این تناقض اصلی برمی‌گردیم که یا قاعده «کلما حکم به العقل حکم به الشرع»^{۹۸} صادق نباشد یا به حکمت اخذ مالیات بی‌توجهی شده و صورت مسئله در انحصار زکات به ۹ قلم دچار اشکال است. به طور کلی پویائی فقه امامیه در حل و عقد مسائل و یافتن حکمت تشریحی در شریعت مطهر می‌باشد. به عبارت دیگر در فقه شیعه با درک حکمتی که شارع مد نظر داشته اقدام به تعمیم احکام به موارد بیشتری از پدیده‌ها می‌شود که در زمان وضع شریعت اسلام وجود نداشته‌اند. در این باب باید گفت عدم توجه به اصل حکمت در اصول فقه همواره باعث عدم توسعه احکام به زمینه‌های جدیدتر شده است. اصل حکمت در فقه امامیه بر این مبنا استوار است که شارع بر مبنای عقل اقدام به وضع احکام نموده و هیچ حکمی را عبث و بیهوده نفرموده و همواره در پشت هر حکمی حکمتی بالغ نهفته است. در بسیاری از موارد تقنینی جدید نیز موارد بسیاری مشاهده می‌شود که بدون توجه به این اصل وضع گردیده‌اند و علت اختلاف بسیاری از نظرات فقهی و اجتماعی فقها در باب مسائل گوناگون به دلیل بی‌توجهی به این اصل می‌باشد. لذا تناقضات و کثرت پاسخهای متفاوت و حتی متناقض یکی از آثار این عدم توجه است.^{۹۹} از طرفی این قاعده به تمام ازمنه و امکانه قابل تعمیم نیست. حضرت حاج دکتر تابنده در این موضوع در مقالات مختلف شرح‌های مختصری در این باب مرقوم می‌فرمایند که بخش‌هایی از آنها مستقیماً نقل می‌شود. می‌نویسند: «... تفکر و تعقل نیز وظیفه‌ای دارد. وظیفه آن این است که در مورد مسائلی که نه طریقتی و نه شریعتی است، بنا به تصمیم خودش، تصمیم بگیرد. این قلمرو تعقل است. با این تفاوت که تعقل زیردست مسائل شریعتی و طریقتی می‌باشد و حاکم بر آنها نیست. مثلاً نمی‌توان گفت عقل اینطور می‌گوید و شریعت آنطور دستور داده، پس حکم عقل نادرست است و یا برعکس حکم شریعت را احمقانه بدانیم و دستورالعمل عقل را اجرا کنیم. اگر دیدیم عقل چیز دیگری غیر از شریعت می‌گوید، باید به دنبال اصل حکم شریعت بگردیم. چرا که یا ما آن حکم را غلط فهمیده‌ایم و یا آن را بر اساس اقتضای زمان درست تفسیر نکرده‌ایم. مثلاً در مورد دیه به پرداخت شتر و درهم و دینار حکم شده است. ما نباید بگوییم که چون حالا درهم و دینار نیست پس این حکم با عقل جور در نمی‌آید. باید به دنبال اصل حکم باشیم و آن را درست بفهمیم. بنابراین عقل تابع حکم واقعی شریعت می‌باشد. هیچ یک از احکام واقعی شریعت با حکم عقل مغایرت ندارد. بنابراین نباید پاسخ همه چیز را و هر مسأله‌ای را از طریقت و شریعت بخواهیم. حل برخی مسائل بر عهده خود ماست. بسیاری از تصمیمات روزمره با تعقل و تفکر حل می‌شود و در قلمرو شریعت و طریقت جایی ندارند ولی باید به امکانات موجود توجه کنیم. ... قوه تفکر و تعقل عصای دست شما در قلمرو شریعت و طریقت است...»^{۱۰۰}

استدلال فوق دقیقاً بر مسائل مالیه و گسترش پایه مالیاتی صادق است. همچنین به وضوح می‌توان این احتیاط را

^{۹۸} - آنچه را که عقل به آن حکم کرده شرع نیز به آن حکم می‌کند.

^{۹۹} - برای مثال می‌توان به دیات اشاره نمود که اقسام گوناگون برای آن قائل شده‌اند. تنوع این اقسام و مخیر بودن جانی در انتخاب دیه جهت پرداخت به مجنی علیه باعث شده است که همواره جانی اقدام به پرداخت کم بهاترین دیه نماید.

^{۱۰۰} - شریعت، طریقت و عقل. صص ۴۸-۴۶. انتشارات حقیقت، تهران ۱۳۸۲.

نیز در باب نرخ‌های مالیاتی نیز ملحوظ داشت. نکته‌ی حائز اهمیت در طرح این مسئله توجّه به حکمت شرایع است اگر بدون توجّه به این اصل فقهی اقدام به بررسی و تفسیر قواعد فقهی نمائیم عملاً قوه‌ی عقل را معطل کرده‌ایم در صورتی که علت بعثت انبیا تحریک قوه‌ی عاقله‌ی بشریت است و در سایه‌ی این تعقل و تفکر است که کمالات انسانی حاصل می‌گردد.

از لحاظ نظام حقوقی اسلام قوانین موضوعه و توافقات تقنینی بین‌المللی تا آنجا مورد قبول است که در تضاد و تناقض با شریعت محمدی ص نباشد. در باب این موضوع بحث‌های مفصّلی مطرح است که نگرش‌های تقنینی بین‌المللی را در این ارتباط با دستورات شریعت اسلام تطبیق داده و مقبولیت و عدم مقبولیت آن‌ها را می‌سنجد.^{۱۱} بر طبق ماده‌ی ۳۸ اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری منابع و قواعد حقوق بین‌الملل شامل عهدنامه‌های بین‌المللی اعمّ از خصوصی و عمومی که طرفین اختلاف آن قواعد را صریحاً شناخته‌اند و رسوم بین‌المللی و اصول عمومی حقوقی مقبول ملل متممّن است و نهایتاً تصمیمات قضائی و عقاید برجسته‌ترین مؤلفین ملل مختلف را به منزله‌ی وسایل فرعی برای تعیین قواعد حقوقی می‌داند. در حقوق بین‌المللی اسلام منابع حقوقی فوق از لحاظ مرتبه در مراتب بعد از شریعت قرار می‌گیرند. در ابتدا احکام اولیه اسلام مبتنی بر قرآن کریم و شریعت محمدی ص منبع اولیه مقبولیت، قضاوت و داوری است و پس از آن سایر منابع حقوقی قرار خواهند گرفت. مسلم است تمام منابع بعدی چنانچه تضاد یا تناقض با قرآن کریم نداشته باشند می‌توانند مقبولیت داشته باشند و ملاک اصلی سنجش منابع حقوق موضوعه بین‌المللی موافقت با شرع است. در مورد امور مستحدثه باید با اعمال دیدگاه حکمت و کاربرد عقل توافق یا تناقض موضوع را با دستورات قرآن کریم سنجید. این سنجش عقلی خود شرایط تفصیلی و متقنی دارد.^{۱۲}

اصول کلی کنوانسیون پیشنهادی مالیه بین‌المللی

برای تسریع در رفع موانع موجود بر سر راه ارتباط اقتصادی کشورها تدوین کنوانسیون بر اساس موارد ذیل پیشنهاد می‌شود که کشورها اختیارات نسبت به پذیرش آن اقدام و در قبال دیگر اعضاء اعمال نمایند. با پذیرش همگانی اصول زیر می‌توان ارتباط و تعامل اقتصادی کشورها را به میزان قابل توجهی افزایش داد. مسلماً پذیرش همه اصول زیر در ابتدا با مخالفت دولت‌ها و با استدلال تحدید حاکمیت ملی آنان مواجه خواهد شد. لذا در مرحله اول می‌توان این اصول را در چارچوب توصیه‌های ارشادی مطرح و به مرور عمل به مفاد آن را پیش‌نیاز توسعه روابط بین دول قرار داد.

تشکیلات دولت

- ۱- ساختار اداری تشکیلات دولت باید بازبینی گردد و حوزه و حدود اختیارات و ماموریت‌های نهادها و دستگاه‌های دولتی و شبه دولتی بررسی و دستگاه‌ها و نهادهای موازی ادغام یا حذف شوند.
- ۲- اجرای مقررات خصوصی‌سازی موثر و کاهش اندازه دولت در حدود نیازهای جامعه. در این راستا تدوین و اجرای برنامه‌های اصلاح نظام کلان و سازمان دولت و بخش دولتی و شبه دولتی و همچنین تدوین و اجرای برنامه‌های

^{۱۱} - یکی از بررسی‌های جالب کتاب نظر مذهبی به اعلامیه حقوق بشر نگارش حضرت حاج سلطانحسین تائبنده گنابادی، چاپ کتابخانه صالح، چاپ دوم، ۱۳۵۴ می‌باشد که مواضع اسلام را با اعلامیه حقوق بشر می‌سنجد.

^{۱۲} - این بحث به تفصیل در بیدآباد و هرسینی (۱۳۸۲) «تحلیل فقهی - اقتصادی ربا در وامهای مصرفی و سرمایه‌گذاری و کاستیهای فقه متداول در کشف احکام شارع» آمده است. پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران.

- توسعه‌ای موثر در جهت کوچک کردن دولت و افزایش حیطه عمل بخش خصوصی ضروری می‌باشد.
- ۳- تدوین و اجرای برنامه‌های اصلاح نظام مالی دولت و بخش دولتی.
- ۴- قوانین الزام دولت به رعایت شفافیت، افشای اطلاعات و حکمرانی دولتی در ارتباط با دستگاه‌ها و همچنین مدیران و پرسنل دولتی وضع گردد.
- ۵- نظام آماری کشور باید بازبینی و نقاط ضعف آن رفع گردد. آمارهای صحیح باید در اسرع وقت تولید، منتشر و به عموم عرضه شود. محرمانه نمودن اطلاعات و آمار یا تأخیر در انتشار آن زیان‌های متعدد و متنوعی به بار می‌آورد.
- ۶- حسابهای ارزی، پولی، مالی و اقتصادی باید در زمان ارائه بودجه برای تصویب همراه لوایح بودجه به قوه مقننه تقدیم شود.
- ۷- سیستم‌های حسابداری و حسابرسی دولتی بازبینی و شرایط نظارت موثر بر فعالیت‌های مالی دستگاه‌های دولتی فراهم شود.
- ۸- سیاست‌های مالی باید از سیاست‌های پولی و ارزی منفک ولی همسو و هماهنگ با آنان باشد.
- ۹- حیطه وظایف و حدود اختیارات دولت باید در چارچوب قانون اساسی کاملاً مشخص باشد و تفاسیر مدون اصول آن کاملاً شفاف و نامتناقض باشد. در این راستا تدوین قوانین لازم برای جلوگیری از همپوشانی حقوق دولت و بخش دولتی با حقوق مالکیت اشخاص ضروری است. موارد مصادره اموال مشروع و مال احتکار شده جز استثنائات قانونی و شرعی برای آنها ممنوع است.
- ۱۰- فعالیت هر نهاد و دستگاه اجرایی باید از پیش روشن و مشخص باشد و نهادها یا دستگاه‌ها نباید در انجام هر فعالیتی مبسوط‌الید باشند و حیطه وظایف و اختیارات و مأموریت‌های آنان باید از قبل معین و مدون باشد.
- ۱۱- کلیه تمهیدات سخت افزاری و نرم افزاری برای ایجاد دولت الکترونیک در همه زمینه‌های فعالیت دولتی فراهم گردد.
- ۱۲- الزام جدی دولت به پاسخگویی در ریز فعالیت‌ها و تصمیمات.
- ۱۳- توسعه کمیسیون‌های تخصصی مجلس در حد اداری متشکل از کارشناسان متخصص در امور مربوط به هر کمیسیون جهت اعمال نظارت خاص و موثر بر دولت.
- ۱۴- تدوین مقررات نظارت بر همه دستگاه‌های دولت، بخش دولتی و نهادهای شبه دولتی ضروری است.

درآمد دولت

- ۱- سادگی مالیات‌ها از مهمترین عوامل کارایی در سیستم‌های مالیاتی است. لازم است تا مقررات بین‌المللی در جهت یکسان‌سازی مقررات مالیاتی با هدف ساده‌سازی سیستم‌های مالیاتی تدوین گردد.
- ۲- روش مالیات بر ارزش افزوده به عنوان مبنای سیستم‌های مالیاتی در همه کشورهای عضو اتخاذ شود. مقررات لازم برای اجرای صحیح، فراگیر و مکانیزه مالیات بر ارزش افزوده باید تدوین گردد.
- ۳- از لحاظ اقتصاد کلان، درآمد عوامل تولید به مفهوم ارزش افزوده می‌باشد و مشمول سیستم مالیات بر ارزش افزوده می‌شود. مقتضی است تا مالیات بر درآمد نیروی کار طبق توافقی بین‌المللی یکسان گردد. این امر بسیاری از معضلات ناشی از جابجایی و مهاجرت نیروی کار را مرتفع می‌نماید.

- ۴- درآمد دستگانه نباید برای خودش باشد و به هزینه‌اش تخصیص داده شود. کلیه دریافت‌های دولت باید در خزانه‌داری کل متمرکز شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام گیرد.
- ۵- اگر بر فروش یک کالا یا خدمت در یک کشور مالیات اخذ شد برای اخذ مالیات در کشور بعدی مبنای محاسبه ارزش افزوده جدید با احتساب مالیات پرداخت شده مبنای قرار گیرد.
- ۶- نرخ مالیات پیشنهادی برای همه کشورها نرخ ۱۰٪ بر ارزش افزوده پیشنهاد می‌گردد. مالیات عشر بر ارزش افزوده را می‌توان در دستور کار این کنوانسیون قرار داد. مالیات عشر بر ارزش افزوده به معنی اخذ ده درصد درآمد خالص (ارزش افزوده) حاصله در هر فعالیت اقتصادی و معامله و دریافت یا پرداخت به عوامل تولید بر مبنای مفهوم ارزش افزوده ایجاد شده می‌باشد.
- ۷- تعرفه و موانع غیرتعرفه‌ای خود به مثابه مالیات عمل می‌کنند که بر کالاها و خدمات وارداتی اعمال می‌شوند. این نوع مالیات باعث تغییرات عمده‌ای در تخصیص بین‌المللی منابع و جابجایی نیروی کار و در نهایت کاهش اشتغال، تولید و رفاه همه کشورها شده است.^{۱۰۳}
- ۸- معیار ارزیابی اعتبار مالی افراد حقیقی و حقوقی در فعالیت‌های اقتصادی و بانکی و غیره باید بر مبنای مالیات پرداختی دوره‌های مالی گذشته آنان قرار گیرد.
- ۹- سیستم‌های کنترل تصادفی پرونده‌های مودیان مالیاتی در همه کشورهای عضو برقرار گردد. میزان جریمه عدم ارائه صورت‌های صحیح مالیاتی به اداره مالیات در هر کشور باید به گونه‌ای تنظیم گردد تا مجموع جریمه بار شده بر پرونده‌های بازبینی شده حداقل بیش از مجموع میزان فرار مالیاتی کلیه پرونده‌های مالیاتی اشخاص باشد.
- ۱۰- سیستم مالیاتی باید با افزایش پایه مالیاتی و کاهش نرخ مالیات به سمت کارایی مالیات حرکت کند. مقررات مراحل بهبود تدریجی سیستم مالیاتی در این ارتباط باید تدوین گردد.
- ۱۱- نرخ‌های تصاعدی مالیات در عمل به دلیل گریز مالیاتی نزولی عمل می‌کنند. از سوی دیگر نرخ‌های تصاعدی مالیات از تراکم سرمایه و تشکیل سرمایه‌گذاری ممانعت به عمل آورده و در عمل گندکننده توسعه و رشد اقتصاد است.
- ۱۲- بایست از هر مال اعم از درآمد یا ثروت فقط یکبار مالیات اخذ شود و هر مالی که یکبار مالیاتش پرداخت شد تا زمانی که تغییر شکل نداده و یا مالک آن تغییر نیافته مشمول مالیات جدید نمی‌شود. مالیات جدید باید فقط بر ارزش افزوده ایجاد شده در هر مرحله از تغییر وضعیت یا انتقال اعمال گردد.
- ۱۳- سیستم مالیاتی باید کاملاً مکانیزه شود تا عملیات معاملات و نقل و انتقال کالا و دارایی را رهگیری نماید.
- ۱۴- کاستی‌های موجود در زمینه جلوگیری از پولشویی از معضلات مهمی است که به حقوق فعالان اقتصادی و دولت، و اقتصاد کشور صدمه می‌رساند. بزه‌های مالی، فرار مالیاتی، قاچاق، تبانی، اختلاس و جرم‌ها و تخلفات متنوع دیگر همگی در ذیل پولشویی می‌گنجد که کشف و برخورد با آنها می‌تواند منجر به اصلاحات بزرگی در اقتصاد کشورها شود. چنانچه شرایط به گونه‌ای اطراف معاملات اقتصادی زیرزمینی را ملزم به استفاده از شبکه بانکی نماید و سازمان مالیاتی هر کشور نظارت خاص بر معاملات عمده و حمل و نقل کالاها داشته باشد عملیات اقتصاد

^{۱۰۳} - بیژن بیدآباد (۱۳۹۰)، پیشنهاد کنوانسیون تجارت بین‌الملل از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی.

زیرزمینی از طریق تطبیق اطلاعات معاملات و اطلاعات بانکی بطور الکترونیکی در سیستم کشف پولشویی (MLD)^{۱۰۴} قابل کشف و رهگیری است. مطابق با هر معامله و انتقال کالا یا خدمت باید یک پرداخت و دریافت پولی اعم از نقدی یا وعده‌دار وجود داشته باشد. اگر عملیات پولی پرداخت و دریافت از طریق بانک یا سایر نهادهای پولی صورت گیرد دو اطلاع کالایی و پولی از هر معامله قابل تطبیق هستند. اگر این دو اطلاع منطبق بر هم نباشند باید خلل و ظنی از نوع پولشویی در معامله وجود داشته باشد. در این ارتباط کشورها باید سیستم کشف پولشویی را در تشکیلات حکومتی خود مستقر نمایند.^{۱۰۵}

- ۱۵- هماهنگی سایر نهادهای مالی با اداره مالیات ذیل سیستم کشف پولشویی در حدود قوانین و مقررات الزامی است.
- ۱۶- نحوه معافیت مالیاتی بنگاه‌های مددکاری و خیریه غیرانتفاعی باید به گونه‌ای مشخص و شفاف گردد که از سواستفاده‌های احتمالی از این نوع بنگاه‌ها در فرار مالیاتی یا پولشویی جلوگیری شود.
- ۱۷- تخلف پرسنل مالیاتی خسارت زیادی به کلیه افراد جامعه وارد می‌نماید. لذا وضع قوانین تشدید تنبیه و مجازات متمیزین و پرسنل مالیاتی متخلف کشورها جهت سلامت سیستم مالیاتی بسیار ضروری است.

هزینه دولت

- ۱- وظیفه تخصیص شامل تدارک کالاهای اجتماعی یا تخصیص منابع یا به عبارت دیگر وظیفه تخصیص بودجه؛ وظیفه توزیع شامل سیاست‌های تعدیل توزیع درآمد و ثروت؛ وظیفه تثبیت شامل سیاست‌های اشتغال، قیمت، ترازپرداخت‌ها از وظایف دولت است که نمود بارزی در سیاست‌های مالی دولت دارد. لازم است تا دستورالعمل تنظیم، تدوین و اجرای این وظایف مدون باشد تا از هرج و مرج در سیاست‌گذاری و تناقض آثار سیاست‌ها جلوگیری شود.
- ۲- هزینه‌های تصدی‌گری دولت‌ها فقط از منابع مالیاتی تأمین گردد.
- ۳- مقررات کنوانسیون بایست به گونه‌ای تدوین گردد تا رفتار دولت‌ها در اتخاذ و تغییر سیاست‌های مالی، آنها را ملزم به رفتاری قابل پیش‌بینی نماید.
- ۴- هزینه‌های دولت باید به مواردی تعلق گیرد که از وجوب بارزی برخوردارند.
- ۵- هزینه در امور عام المنفعه بنابر تخییر جامعه و از طریق مجاری قانونگذاری مبتنی بر آراء عمومی باشد.
- ۶- اصول پرداخت‌های یارانه‌ای در موارد تأمینی و حمایت از اقشار ضعیف جامعه تدوین شود. در این راستا اجرای سیاست تور ایمنی برای دوران اصلاحات ساختاری اقتصاد از ملزومات حمایت از اقشار آسیب پذیر می‌باشد.
- ۷- تبدیل سوبسیدهای پنهان به سوبسید آشکار و پرداخت‌های یارانه‌ای نقدی مستقیم.
- ۸- خساراتی که دولت‌ها به اشخاص داخلی و خارجی وارد آورده یا می‌آورند باید با رعایت صرفه و صلاح خسارت

^{۱۰۴} بیژن بیدآباد، طرح تفصیلی سیستم کشف پولشویی (Money Laundering Detection System, MLD)، سیستم مکمل بانکداری راستین. اداره تحقیقات و برنامه‌ریزی، بانک ملی ایران. ۱۳۹۱.

<http://www.bidabad.ir/doc/detailed-mld.pdf>

^{۱۰۵} توصیه‌های Fainancial Action Task Force (FATF) و کمیته بال و بانک تسویه بین‌المللی و برنامه جهانی علیه پولشویی سازمان ملل متحد و کنوانسیون مبارزه با رشوه در معاملات تجاری بین‌المللی برای پیشگیری از پولشویی OECD و بسیاری از سازمان‌های مرتبط دیگر قبلاً زمینه‌هایی را برای اجرا و توسعه این بند فراهم آورده است.

دیده جبران شود.

- ۹- هزینه‌های نظامی دولت‌ها در رقابت با یکدیگر در مجموع در تعادل و هم‌سطح است. اگر همه کشورها از رقابت تسلیحاتی خود دست بردارند منابع عظیمی از بودجه کشورها آزاد می‌شود که می‌تواند صرف توسعه و رفاه ابناء بشر گردد. در این ارتباط تدوین، توسعه و توافقات موثر در معاهدات بین‌المللی منع رقابت تسلیحاتی لازم است.
- ۱۰- موارد ریخت و پاش‌های دولتی و دولتمردان شناسایی و از آنها ممانعت به عمل آید.
- ۱۱- هر نهادی که از سرمایه ملی استفاده می‌کند باید تحت نظم و انضباط مالی و نظارت و حسابرسی قرار گیرد.

برنامه

- ۱- هر برنامه باید دارای نظریه‌ای مبنایی هنگام طراحی باشد و باید سازوکار تحلیلی لازم برای رفع ناسازگاری اهداف برنامه فراهم نمود.
- ۲- امکان‌پذیری حصول اهداف برنامه باید با توجه به موانع و محدودیت‌ها و میزان منابع مختلف لازم قبل از تصویب بررسی و امکان اجرای برنامه از قبل تأیید شود.
- ۳- تخصیص امکانات و فرصت‌های دولتی بطور مساوی در مناطق کشور و براساس شاخص‌های جمعیتی و برنامه‌ریزی جامع برای اصلاح، بهبود و توسعه مناطق محروم کشور در جهت یکسان‌سازی شرایط زیستی و برخورداری همه مناطق از زیرساخت‌های لازم توسعه‌ای در همه بخش‌ها.
- ۴- تدوین و اجرای برنامه‌های موثر خدمات بهداشتی، درمانی، دارویی، کنترل بیماری‌ها با الویت مناطق محروم به گونه‌ای که ظرف یک برنامه عدم تعادل‌های منطقه‌ای در خدمات دولتی مزبور مرتفع شود.
- ۵- تدوین و اجرای برنامه‌های موثر حمایت از سالمندان و نیازمندان و افراد ناتوان، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و اعتیاد، توسعه بخش‌های کشاورزی، منابع آب و منابع طبیعی، صنعت، معدن، انرژی، حمل و نقل، ارتباطات و فناوری و ایجاد بسترهای جریان سریع و صحیح اطلاعات، عمران شهری و روستایی، آموزش در همه سطوح اعم از نظری و کاربردی و حرفه‌ای، محیط زیست، بخش رفاه و تأمین اجتماعی، گردشگری، فرهنگی مبتنی بر تاریخ ملی، رسانه‌های خصوصی و سایر موارد لازم.
- ۶- سیاستگذاری دولتی باید منجر به آزادی اشتغال و مصرف برای عموم شود.
- ۷- نظارت دولت بر عملکرد بازارها باید در جهت افزایش کارایی بازارها اعم از کالا و خدمات، سرمایه، پول و کار گردد. سیاست‌های تنظیم بازار به مفهوم مداخله در حقوق مالکیت افراد و تضييع منافع یک گروه به نفع گروه دیگر موجب کاهش کارایی فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. سیاستگذاری‌های نظارتی دولت باید متمرکز بر رعایت و بازستانی حقوق عموم اشخاص و الزام آنها به رعایت مقررات و استانداردها و منع کید در معاملات و روابط اقتصادی آحاد جامعه باشد.
- ۸- هر برنامه باید از لحاظ عملیاتی و مالی در قالب بودجه‌های سنواتی قابل تجزیه و تفکیک باشد به گونه‌ای که خللی در اجرای فعالیت‌ها و طرح‌ها بوجود نیاید.
- ۹- کلیه آثار اقتصادی و اجتماعی هر برنامه باید بصورت کمی قابل ارائه و بررسی باشد.
- ۱۰- طبقه‌بندی واحدهای سازمانی در قالب برنامه‌ها و فعالیتها، شناسایی هزینه برنامه‌ها و فعالیت‌ها، پیش‌بینی نتیجه اجرای

- هر برنامه، طرح و فعالیت دستگاه اجرایی باید در چارچوب مشخص و منطقی صورت گیرد.
- ۱۱- رعایت و هماهنگی سطوح مختلف برنامه‌ریزی سیاست‌های راهبردی، سیاست‌های کلان، سیاست‌های بخشی، منطقه‌ای، محلی و غیره.
- ۱۲- محاسبه، پیش‌بینی و برآورد ریز هزینه‌های هر برنامه برای همه سال‌های اجرای آن از قبل.

بودجه

- ۱- تدوین سازوکار اجرای بودجه‌ریزی عملیاتی کارا با توجه بر تفکیک اعتبارات به وظایف، برنامه‌ها، فعالیتها و طرحها بر مبنای بهای تمام شده و اندازه کار بکار برده شده مستند به تجزیه و تحلیل تفصیلی برنامه‌ها و عملیات اجرایی.
- ۲- نظام طرح ریزی، برنامه ریزی و بودجه بندی هر کشور باید با توجه به نقاط ضعف سیستم بودجه‌ریزی سنتی در هر کشور ارزیابی مجدد و بر اساس اصول بودجه‌ریزی عملیاتی در فرآیند مرتبط ساختن هزینه‌ها با نتایج مدون گردد.
- ۳- تدوین اصول اجرایی و عملیاتی بودجه‌ریزی عملیاتی در جهت ایجاد پیوند میان عملکرد و تخصیص منابع در حول دو محور ارتباط بودجه با نتیجه و ارتباط عملکرد و ارزیابی بطوریکه همراه بودجه‌های سالانه رابطه میان میزان اعتبار تخصیص یافته به هر برنامه و نتایج ناشی از آن واضح و با هر میزان مخارج انجام شده در هر برنامه، مجموعه معینی از اهداف تحقق یابند.
- ۴- نقاط ضعف سیستم بودجه‌ریزی سنتی در ارتباط با عدم شفافیت بودجه‌ریزی، جلوگیری از هزینه نمودن منابع خارج از اهداف اصلی دستگاه اجرایی و تمرکز هزینه بر فعالیتهای اصلی دستگاه اجرایی، نظارت مؤثر بین بودجه و نتایج عملکرد دستگاه اجرایی، ریز بودن برنامه‌ها و فصول هزینه، عدم توجه به فرآیندهای اجرایی و عملیاتی دستگاه اجرایی، افزایش بازدهی و بهره‌وری منابع، منطقی نمودن چانه‌زنی برای افزایش اعتبارات، منطقی نمودن توزیع اعتبارات در دستگاه‌ها و مناطق، تعیین ملاک‌های برآورد هزینه طرح‌ها و دستگاه‌های اجرایی منطبق با وظایف، برنامه و فعالیت دستگاه اجرایی و طرح‌ها، مدون ساختن اختیارات مدیر در هزینه کردن اعتبارات و موارد مشابه باید بررسی و راهکارهای لازم برای آنان تدوین گردد.
- ۵- در نظام طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی باید سیستم‌های اطلاعات مدیریت، کنترل مدیریت، پایش و ارزشیابی برنامه همواره صحت عملکرد فعالیت‌های دستگاه‌های اجرای و اجرای طرح‌ها را کنترل نماید.
- ۶- هر فعالیت و طرح باید از قبل ارزشیابی شده و حسب مورد دارای مستندات مطالعات امکان‌پذیری، هزینه-فایده، توجیحات فنی، مالی، اقتصادی، اجرایی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی باشد.
- ۷- استقرار روش‌های هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت^{۱۰۶} در بودجه‌ریزی دولتی.
- ۸- اصول بودجه نظیر اصل سالانه بودن، اصل تعادل به مفهوم برابری درآمدها و هزینه‌های دولت در یک دوره مالی، اصل جامعیت به مفهوم شمول همه منابع و مصارف و تمرکز درآمدها در خزانه، اصل وحدت به مفهوم واحد بودن بودجه دولت برای یک دوره مالی و اجتناب از بودجه‌های شبه دولتی و نیمه دولتی، اصل تفصیل به مفهوم مشروح عملیات مالی، اصل تخصیص به مفهوم تخصیص هر اعتبار به فعالیت یا طرح خاص و منع جابجایی اعتبارات بین

¹⁰⁶ ABC: Activity Based Costing

سرفصل‌های بودجه یا دستگاه‌های اجرائی، اصل انعطاف‌پذیری به مفهوم تغییر و جابجایی در اعتبارات مواد هزینه و برنامه‌های دستگاه اجرائی بدون تغییر در جمع اعتبارات مصوب، اصل تحدید هزینه به مفهوم عدم تجاوز پرداخت‌ها از حد اعتبار مصوب، اصل تقدم درآمد بر هزینه به مفهوم اولویت منابع بر مصارف، اصل تفکیک هزینه‌های مستمر و غیرمستمر در تدوین بودجه همه باید منضبط بر قواعد مشخص و دستورالعمل‌های ارشادی قرار گیرند.

۹- طبقه‌بندی و آرایش سازمانی در تدوین بودجه باید براساس استانداردهای مورد توافق بین‌المللی شکل گیرد تا بر آن اساس موجب تسهیل در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اصلاح سیستم و بهبود روشها، تجزیه و تحلیل منابع و مصارف و مقایسه و ارزیابی بهتر عملکرد مالی دولت‌ها در درون کشور و با دول خارجی شود. این امر می‌تواند استفاده از تجربیات مسائل سیاست‌گذاری‌های مالی را فراهم نماید. بودجه باید تطابق سیستماتیک و ارتباط منطقی و مشخص با سیستم حساب‌های ملی (SNA) و حسابهای پولی و تجارت خارجی داشته باشد حرکت از طبقه‌بندی‌های اجرائی به سمت طبقه‌بندی اقتصادی و برقراری ارتباط بین سیاستهای پولی، مالی و اقتصادی دولت سند بودجه را به یک ابزار کارای سیاستگذاری مبدل می‌نماید.

۱۰- مراحل گردش بودجه از تهیه و تنظیم، تصویب، اجرا و نظارت باید در فرآیندهای خاص منضبط و مشخص باشند.

۱۱- اصول تهیه و تنظیم بودجه باید بر مبنای آمار و اطلاعات صحیح و تحلیل و نتیجه‌گیری کارشناسی از آنها باشد.

۱۲- تصویب بودجه در قوه مقننه باید پس از تحلیل منتقدانه و موشکافانه تخصصی صورت پذیرد. لذا سازمانی باید این خدمت را به قوه مقننه عرضه دارد. دولت باید کلیه گزارشات توضیحی بودجه در ارتباط با هر ردیف بودجه‌ای را همراه با لایحه تقدیم قوه مقننه نماید.

۱۳- حسابرسی عملیاتی از درآمدها باید همانند حسابرسی هزینه‌ها صورت پذیرد.

۱۴- سیر قانونی اجرای بودجه از نظر قانون باید کاملاً مشخص باشد تا امکان اجرای به موقع بودجه فراهم آید.

۱۵- نظارت بر بودجه از وجوه مختلف نظارت‌های مالی، عملیاتی، نظارت قوای مقننه و قضائیه باید هر کدام در چارچوب قوانین و مقررات شفاف صورت گیرد.

منابع

• حضرت حاج دکتر نورعلی تابنده، (۱۳۸۲)، شریعت، طریقت و عقل، ماهیت و قلمرو عقل و تفکر، انتشارات حقیقت، تهران.

[http://www.sufism.ir/MysticalBooks\(6\).php](http://www.sufism.ir/MysticalBooks(6).php)

• حضرت حاج سلطان‌حسین تابنده (رضاعلیشاه ثانی) (۱۳۵۴). نظر مذهبی به اعلامیه حقوق بشر، انتشارات صالح، تهران.

[http://www.sufism.ir/MysticalBooks\(4\).php](http://www.sufism.ir/MysticalBooks(4).php)

• حضرت حاج ملاسلطان‌محمد بیدختی گنابادی سلطان‌علیشاه، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباد، ترجمه حشمت‌الله ریاضی و محمد رضاخانی، انتشارات محسن، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

[http://www.sufism.ir/MysticalBooks\(1\).php](http://www.sufism.ir/MysticalBooks(1).php)

• اصفهانی، راغب () مفردات الفاظ قرآن، انتشارات دارالفکر، بیروت، لبنان.

• اکبر کمیجانی، بیژن بیدآباد، زهرا عابدی، فریبا فهیم یحیایی، محمد عیسی زاده، فریبا شیرخانی، تحلیلی بر مالیات بر

ارزش افزوده و بررسی مقدماتی امکان اجرای آن در اقتصاد ایران، گزارش مرحله اول، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۱. چاپ مجدد توسط معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۴.

<http://www.bidabad.ir/doc/malyat-vat.pdf>

• اناجیل اربعه

[http://www.sufism.ir/MysticalBooks\(63\).php](http://www.sufism.ir/MysticalBooks(63).php)

• انجیل برنابا، ترجمه حیدرقلیخان قزلباش (سردار کابلی)، با مقدمه سید محمود طالقانی، دفتر نشر الکتاب، بهار ۱۳۶۲.
• برزوزاده، محسن بهار (۱۳۹۰). بودجه‌ریزی عملیاتی. تهران: انتشارات سپینود.
• بیژن بیدآباد (۱۳۹۰)، پیشنهاد کنوانسیون تجارت بین‌الملل از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی.

<http://www.bidabad.ir/doc/convention-trade.pdf>

• بیژن بیدآباد، طرح تفصیلی سیستم کشف پولشویی (Money Laundering Detection System, MLD)، سیستم مکمل بانکداری راستین. اداره تحقیقات و برنامه‌ریزی، بانک ملی ایران. ۱۳۹۱.

<http://www.bidabad.ir/doc/detailed-mld.pdf>

• بیدآباد، بیژن و هرسینی، عبدالرضا (۱۳۸۲). تحلیل فقهی - اقتصادی ربا در وام‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری و کاستی‌های فقه متداول در کشف احکام شارع، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

<http://www.bidabad.ir/doc/reba-fa.pdf>

• بیدآباد، بیژن. عشریه در مالیه اسلام، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران، ۱۳۸۳، تهران.

<http://www.bidabad.ir/doc/malyat-oshr.pdf>

• تصوف و عرفان باباکوهی، ۳۰ ژوئن، ۲۰۰۳.

http://mazaheb.blogspot.com/2003_0601_mazaheb_archive.html

• تورات، کتاب مقدس عهد عتیق، انجمن پخش کتب مقدسه (۱۹۰۴ میلادی) تجدید چاپ ۱۹۷۵ میلادی.
• حسن آبادی، محمد و علیرضا نجار صراف پاییز، (۱۳۸۴). نیم قرن تجربه آمریکا در نظام های بودجه ریزی عملیاتی. تهران، بهراد.

• طباطبائی، محمد حسین (۱۳۶۳)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء و مؤسسه انتشارات امیر کبیر.

• قاضی نعمان (۱۴۱۱ق) دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۵۳۸، دارالاضواء، بیروت، لبنان.

• قرشی، انور اقبال (۱۳۶۹) نظام اقتصادی و اجتماعی اسلام، ترجمه علی اصغر هدایتی، موسسه علوم بانکی، بانک مرکزی ایران.

• کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی.

• لوح فشرده لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، موسسه دهخدا، روایت دوم.

• محمد معین، مزدیسنا و ادب پارسی، چاپ دوم.

• معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، انتشارات امیر کبیر تهران.

• ناظم الاطباء، لغتنامه، لوح فشرده لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، موسسه دهخدا، روایت دوم.

• نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

• یهودا حی، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه، مهر ۱۳۵۰.

- Adam Smith (1776), *An inquiry into the nature and causes of the wealth of nations*, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc.
- Alexander Hamilton, James Madison, and John Jay (1788), *The federalist papers*, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc.
- Aristophanes, *The knights* (424 BC), anonymous translator. Aristophanes, *The Wasps*, (422 BC), anonymous translator, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc.
- Aristophanes, *The Wasps*, (422 BC), anonymous translator, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc.
- Aristotle (328 BC), *The Athenian constitution*. Translated by Sir Frederic G. Kenyon, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc.
- Charles Dickens (1861), *Great expectations*, Electronically Enhanced Text, 1993 World Library, Inc.
- Confucian analects, Confucius, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc.
- Edgar Allan Poe (1837), *The narrative of Arthur Gordon Pym of Nantucket*, Electronically Enhanced Text 1991, World Library, Inc.
- Francis Bacon, (1601) *The essays*, Electronically Enhanced Text 1991, World Library, Inc.
- George Eliot (1861), *Silas Marner*, Electronically Enhanced Text 1991, World Library, Inc.
- Herman Melville (1851), *Moby Dick; or the whale*, Electronically Enhanced Text 1991, World Library, Inc.
- Herodotus (~430 BC) *The history of Herodotus*, translated by George Rawlinson, Electronically Enhanced 1991, World Library, Inc.
- <http://www.iranjewish.com/Tora&nature.htm>
- Jean-Jacques Rousseau, (1770), *The confessions of Jean-Jacques Rousseau*, translated by W. Conyngnam Mallory, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc.
- Johann Wolfgang von Goethe (1808) *Faust*, translated by George Madison Priest, Electronically Enhanced Text 1991, World Library, Inc.
- Jules Verne (1864), *A journey to the center of the earth*, Electronically Enhanced Text 1991, World Library, Inc.
- Latter Day Saints (the Mormons) (1830), *The book of Mormon, another testament of Jesus Christ*, Electronically Enhanced Text 1991, World Library, Inc.
- Mark Twain (1869), *The innocents abroad*, Electronically Enhanced Text 1993 World Library, Inc.
- Musgrave, Richard Abel; Peggy B. Musgrave, (1976), *Public Finance in Theory and Practice*, McGraw-Hill.
- Oscar Wilde (1881), *Flowers of gold*, Electronically Enhanced Text 1991, World Library, Inc.
- Richard A. Musgrave in United States, Congress, 1972.
- Richard W. Lindholm, “ *The Value Added Tax, A Short Review of the Literature*, *Journal of Economic Literature* , December 1970
- *Shorter Encyclopedia of Islam*
- Subrahmanya, K.N.; B.S. Sreekan taradhya (eds.) *taxation and centre. State financial relations*, New Delhi, Deep & Deep Publications, 1983.
- Tait, A.A (1988), *Value Added Tax, International Practice, and Problems*, IMF, Washington DC.
- *The code of Hammurabi commentary* (1780 BC), Rev. Claude Hermann Walter Johns, M.A. Litt.D. Translated by L. W. King, With commentary from Charles F. Horne, Ph.D. (1915), The 11th Edition of the *Encyclopedia Britannica*, 1910 Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc.
- *The history of Herodotus*, Herodotus, translated by George Rawlinson, Electronically Enhanced Text, 1991, World Library, Inc.
- *The law of Manu (Hindu)* (1500 BC), translated by G. Buhler, Electronically Enhanced Text 1991, World Library, Inc.
- Thomas Hobbes (1651), *Leviathan*, Electronically Enhanced Text 1991, World Library, Inc.
- William Shakespeare, (1601), *The first part of king Henry the fourth*. Electronically Enhanced Text 1991, World Library, Inc.
- William Shakespeare, (1602), *King John*. Electronically Enhanced Text 1991, World Library, Inc.

- William Shakespeare, (1602), *The history of Troilus and Cressida*. Electronically Enhanced Text 1991, World Library, Inc.
- William Shakespeare, (1599), *The tragedy of Hamlet, prince of Denmark*. Electronically Enhanced Text 1991, World Library, Inc.